

سردر جدید دانشگاه تهران



طرح از : کورش فرزایی
معماری : مسعود سرکسیان
نگارگر : نیکل فریدانی

لو کوربوزیه بسوی يك معماری مدرن

ترجمه : بهروز سرابندی

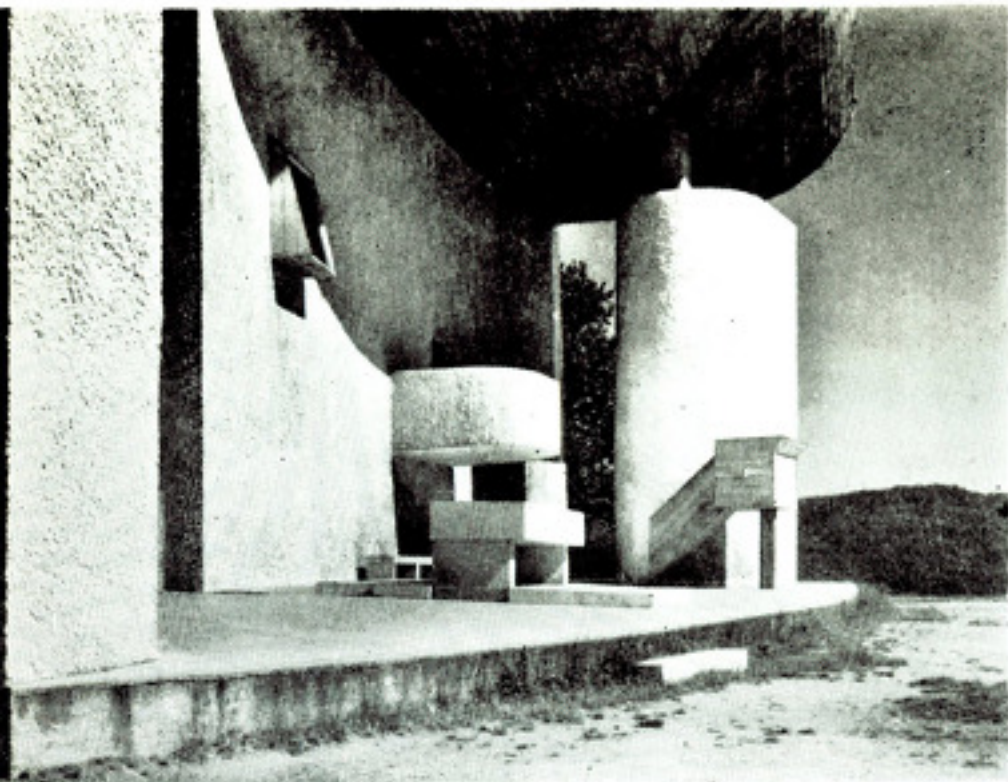
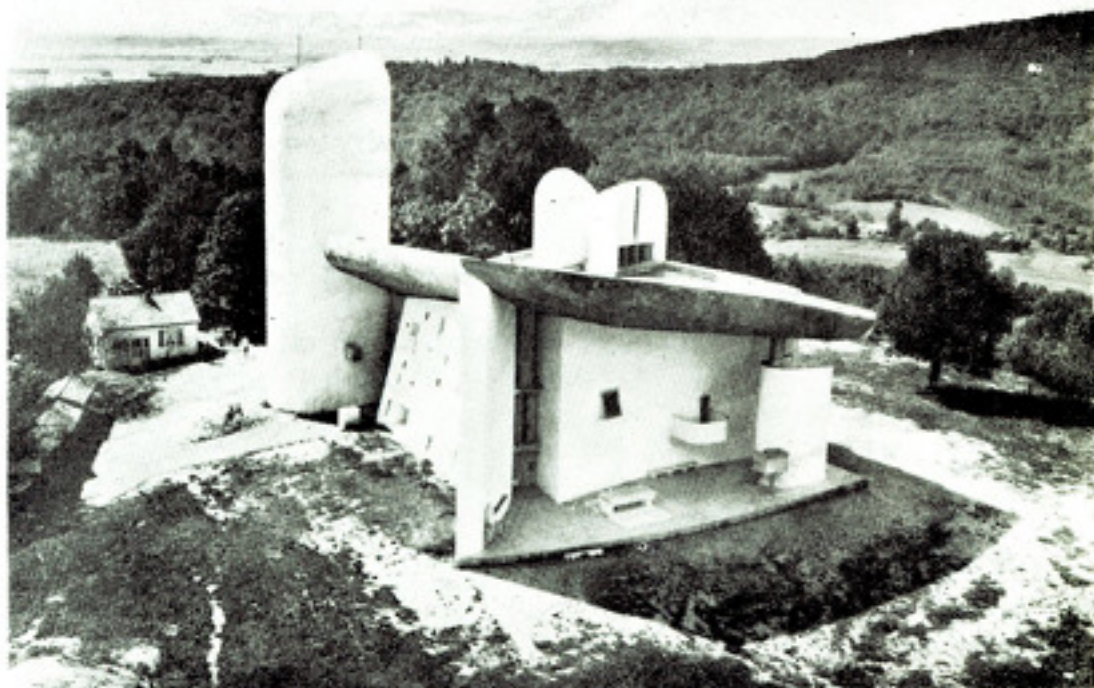
فعالیت‌های شدیدی که امروزه در تمام رشته های صنعتی وجود دارد بدون شك مقداری انعکاسات مغزی و فکری در وجود ما نیز تولید میکند . گاه در میان مقالات روزنامه ها و مجلات مطالب و پسا داستان‌هایی چشم میخورد که بطور بی سابقه‌ای مفز و فکر ما را مجذوب خود مینماید این مقالات در بعضی مواقع همراه با خوشی و لذت و بعضا نیز همراه با ترس و وحشت است اینها تماما محصول زندگی و فکر مدرن میباشد .

اگر ما خود را بدین ساختمان های کهنه و پوسیده و بی مصرفی که هرروز با آنها تماس داریم عادت دهیم در آن صورت خود نیز بی مصرف و بی ارزش پار آمده‌ایم . هرکجا که میرویم ماشین‌های تولیدی را می‌بینیم که بطور تحسین آمیز و باعترافش خاص بوطیقه خود عدل میکنند ماشین‌هایی که ما امروز در آن زندگی میکنیم کالک است بر از میکروب سل هیچ رابطه‌ای بین فعالیت در کارخانه ها ، در

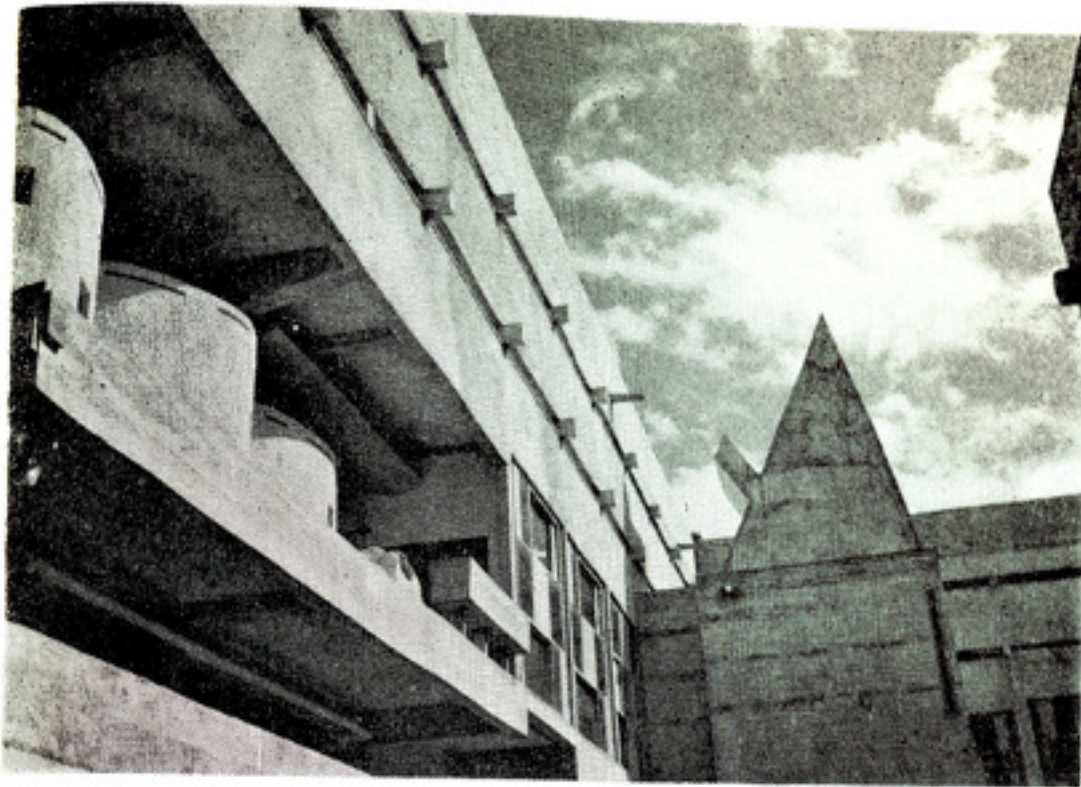
ادارات و در بانکها ، با زندگی و فعالیت ما در آغوش خانواده وجود ندارد زندگی خانوادگی ما همیشه توأم با مشکل و ناکامی است خانواده در هرکجا که باشد کشته و نابود شده است مردان قدرت فکری و شهامت خود را از دست داده‌اند و بطور کلی مردان پیردگی اشتباهات تاریخ گذشته گرین نهاده‌اند . خواست و فکر افراد خواه

درک میکند . هر فرد از افراد درک کرده است که احتیاج بیات پیرامن تمیز و سفید دارد . مردم احساس کرده‌اند که احتیاج به تفریح و استراحت داشته و پس از يك فعالیت بدنی و یا فکری شدید باید استراحت بکنند تاکنش عضلات آنها بحالت اول برگردد نیروی جسمی و روحی آنها تقویت بشود تا بتوانند فعالیت های مغزی و فکری خود را دوباره از سر بگیرند .

بنابراین درک این احتیاجات همیشه باعث بوجود آمدن خواست های جدید از محیط های مختلف میشود . ولی باکمال تلف-تثکلیات دولتی و اجتماعی ما در مقابل این خواست ها و این احتیاجات چیزی ندارند که جوابگوی آنها باشد از طرف دیگر : آیا این توسعه فرهنگ و تمدن و این قوه و نیروی عظیمی که تا نیمی میتواند در زندگی مدرن داشته باشد ؟ توسعه باشکوه صنعت و کارخانه ها در قرن اخیر و تعداد رفته رفته ها و کارها حقیقتا باعث شده است که طبقه فعال دیگری به طبقات اجتماع گذشته افزوده بشود . در کارگاه‌ها در تثکلیات فنی در مراکز تحقیقاتی در بانکها در فرسنگ‌های بزرگ در اداره مجلات و روزنامه ها مهندسی که در این قست ها کار میکنند مدیران این دپارتمانها ، منشی‌ها ، حسابداران که



بنا بقضای نغشان از روی دقیقه و ثانیه کار میکنند مهندسی که طراح پلها هستند طراحان کنسرسی ها و هواپیماها خلایق موتور و توربین ها که شب و روز در کاره گاهها ویا در محل های تحقیقاتی کار میکنند کارمندان و محاسبین امور اقتصادی اشخاصی که سرمایه و کالاهای کارخانه ها را توزیع و کنترل میکنند آنها که طراح آگهی های تجاری و یا آگهی های دوی کالامیانشند آنها که منحنی ظرفیت و حجم تولیدات کارخانه ها را اندازه میگیرند آنها که مسامور بهداشت و سلامتی طبقه ای از اجتماع هستند که هر مواد خامی بدست آنها در قالب ها ریخته و تهیه می شود کارگران تمام این افراد چشم های خود را بروی نمایشگاههای کالا ها که بدست خودشان ساخته شده است دوخته اند .



۳- نشان داده است. ۳- کونترکیون معنی دیگری پیدا کرده و ۴- آرشیتکتور خود را با قوانین و احتیاجات جدیدتری روبرو دیده است .

۱- کارخانجات وسایل جدید تری بوجود آورده اند : این گروه وسایل و ادوات در تسهیل مشکلات بشری سهم بزرگی داشته اند اگر این وسایل و این مسائل را در مقام مقایسه با گذشته قرار دهیم پاسانی متوجه تحول عظیم در صنعت و زندگی میشویم .

۲- اقتصاد خصایص و عادات خود را نشان داده است :

اقتصاد امروزه در زندگی افراد مسئولیت بزرگ و خطیری را برعهده دارد. مهندسین و متخصصین شب و روز در ادارات در بانک ها و در مراکز اقتصادی در کارخانه ها مشغول مطالعه و تجربه و محاسبه قوانین جدید اقتصادی هستند تا بتوانند دو عامل مهم و مخالف را یعنی : کالای مرغوب و قیمت ارزان را باهم هماهنگ سازند ابتکارات و استمداد های خودشان را بکار انداخته اند تا بتوانند اصول و قواعد انسانی را در کارگاههای تولیدی توسط صاحبان کارخانه ها اعمال کنند و بطور کلی اقتصاد امروز یک اورگانیزم سالم و انسانی

موقعیکه بمنزل میآید دیگر از آن شکوه و عظمت بیرون چیزی نیست زندگی بدتر از گذشته شده خانواده از بین رفته زندگی معنی خود را از دست داده است .

این مردم احتیاج بیگماشین دارند ماشینی که بتوانند در آن زندگی کنند ماشینی که بتواند در نهایت سادگی و بی آلاشی احتیاجات آنها را برآورد.

تمام طبقات چه کارگر چه کارفرما چه زارع و چه دانشمند علاقه و احتیاج شدید به خانواده دارند آنها هر روزه با دست ها و منر های نیرومندشان وسایل تازه ای خلق میکنند که از این وسایل برای آسایش و پیشرفت بشریت استفاده میشود هر روز وسایل تازه ای برای زندگی بهتر و عالی تر اختراع میشود و بالاخره هر روز مفرهای فعال اجتماع موضوعات بکری را حل و فصل میکنند . ولی تمام این اختراعات تمام این اکتشافات برای خود آنها چیزی دربر ندارد. زندگی آنها روز بروز بدتر میشود و تنعیف روحیه آنها هر روز شدیدتر میگردد .

پس از گذشت چند دوره با کندی یا با تندی تحولی روی داده است ۱- کارخانه ها وسایل لازمه خود را بوجود آورده اند . ۲- تجارت خصایص و عادات خود را



است. اگر ما تمام اینها را بسا حواث و قوانین گذشته مقایسه کنیم متوجه میشویم که ما تحولی عظیم داشته‌ایم.

چند کونترکیون متد و روش خود را پیدا کرده است:

متد های جدیدی که امروزه در کونترکیون کشف و پیدا شده‌اند حائز اهمیت زیاد میباشند به طوری که امروزه مشکلات کونترکیون ساختمانهای گذشته بسیار حقیر و کوچک مینماید و میتوان نام این را آزادی در کونترکیون گذاشت.

در سیستم کونترکیون امروز همه چیز با محاسبه قابل حل و اجراء و محاسبات توسط افراد کار کنته و وسائل مدرن و مجهز و اجرا توسط کارگران تحصیل کرده انجام میشود. بتن و فولاد با قدرت های سرسام آور خود انقلابی عظیم در کونترکیون و ساختمان بوجود میآورند. مطالعات بروی این دو ماده ساختمانی شب و روز توسط کارشناسان ادامه دارد و خواص آنها بخوبی شناخته شده و محاسبه و اجرای آنها در حال انطباق با تئوریهای جدید است. پیشرفت های جدید و قوانین جدید تر و عملی تری پیشنهاد شده و بطور کلی اگر بتوان یکسرد عاقل و منصف بسخواهیم کونترکیون امروز و گذشته را مقایسه کنیم می بینیم که در کونترکیون و متد های آن تحولی عظیم روی داده است.

۲- آرشیتکتور خود را بسا قوانین جدیدتری روبرو دیده است:

آزادیهایی که ما از نظر کونترکیون و ساختمان بدست آورده‌ایم این امکانات را بسا داده است که خود را از استیل های گذشته بکلی آزاد سازیم و بیشتر از این خود را پای بند و مقهور آنها نکنیم مواد جدید تماما نست بدست هم داده امکانات جدیدی را از نظر آرشیتکتور برای هنرمندان فراهم آورده‌اند.

فرم های نوظهور در سیستم های عجیب و غریب تماما ناشی از این آزادی کونترکیون می باشد این فرم ها و کونترکیون های عجیب بیشتر از هر چیز در ساختمان های صنعتی و کارخانه ها که تابع هیچ قانون معماری

نیستند جلوه گری میکنند بنابراین استیل های گذشته دور ریخته میشوند و قوانین جدید معماری ما را از معماری توده‌ای خلاص میکند ولی اگر هنوز از نفوذ معماری گذشته رنج میبریم دلیل این است که هنوز نتوانسته‌ایم خود را بکلی از گذشته جدا کنیم ولی بسا هم استیل های معماری ماسیو را مانند یک پارازیت مسمی پنداریم اگر خود را در مقام مقایسه با گذشته قرار بدهیم متوجه می شویم که: قوانین جدید ما را مجبور کرده‌اند که خود را از معماری گذشته جدا بکنیم و قوانین معماری ماسیو را بکلی از خاطر ها محو و نابود کنیم قوانینی که فقط در مدت چهار هزار سال گذشته برای ما جالب بودند و امروزه دیگر نمیتوانند میل باطنی ما را اغنا و ارضاء بکنند و فقط بعنوان یک سند تاریخی برای ما قابل قبول هستند و بنابراین ما در یک تحول بزرگ معماری قرار گرفته‌ایم.

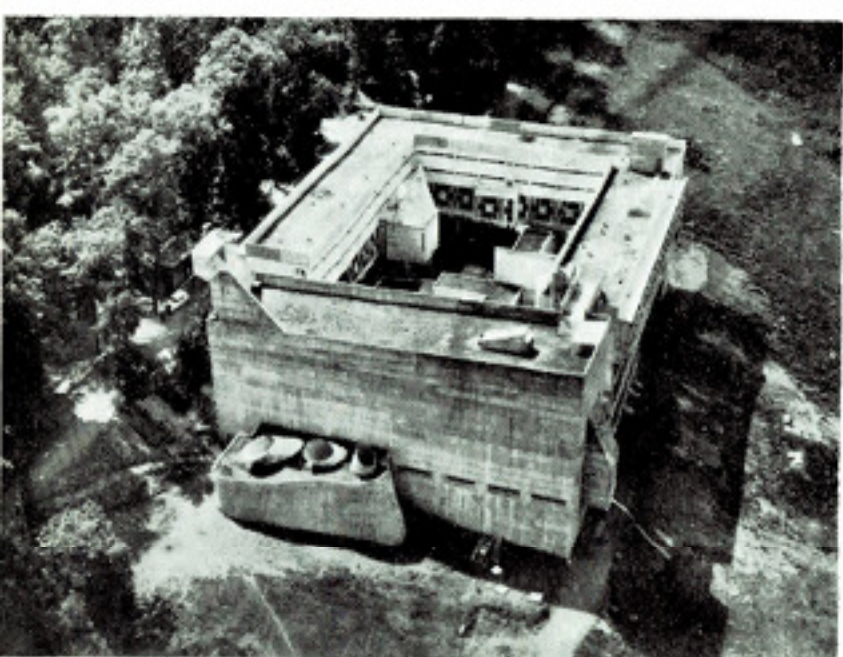
ولی با وجود پیشرفت هایی که ذکر شد که در تمام زمینه ها نصیب بشر امروز شده است باز یک آشفتنگی باطنی احساس میشود - چگونه ما از این تمدن استفاده خواهیم کرد آیا عکس العمل ما در دوران آینده در مقابل آن چگونه خواهد بود؟

دنیائی که امروزه خود را با منطق و دلیل بطور منظمی جلو میرد.

از طرفی کاملا هوشیار است و عاقلانه پیش میرود ولی از طرفی زندگی کردن در محیط های شلوغ و کثیف در شهر ها - در خیابانها و یا در خانه ها و یا در سایر محیط های نامناسب یک ترس و تاثیر روحی در او (انسان) بوجود آورده‌اند که بعضی وقت ها فکر میکنند که این توسعه و پیشرفت ممکن است فرمت زندگی کردن را از او بگیرد. برای اینکه انسان آرزو دارد خانواده‌ای تشکیل دهد زندگی خصوصی داشته باشد مانند سایر حیوانات روی زمین و بسا بمانند انسانهای اعصار گذشته. ولی امروزه اجتماع گمگم به ناپودی زندگی خانوادگی او میکند و بسا ترس و وحشت ناظر این صحنه دلخراش است و در حقیقت هم اینطور است.

امروزه حقایق زندگی تقریبا

فقط بصورت سؤال در آمده‌اند اجتماع بر شده است از آرزو ها و خواست هایی که نمیتوان مطمئن بود که برآورده شوند. همه چیز بستگی به این خواست ها دارد همه چیز بستگی باین کوشش ها دارد و همه باین شیوه هراس چشم دوخته‌اند. معماری یا تحول؟



فقط بصورت سؤال در آمده‌اند اجتماع بر شده است از آرزو ها و خواست هایی که نمیتوان مطمئن بود که برآورده شوند. همه چیز بستگی به این خواست ها دارد همه چیز بستگی باین کوشش ها دارد و همه باین شیوه هراس چشم دوخته‌اند. معماری یا تحول؟

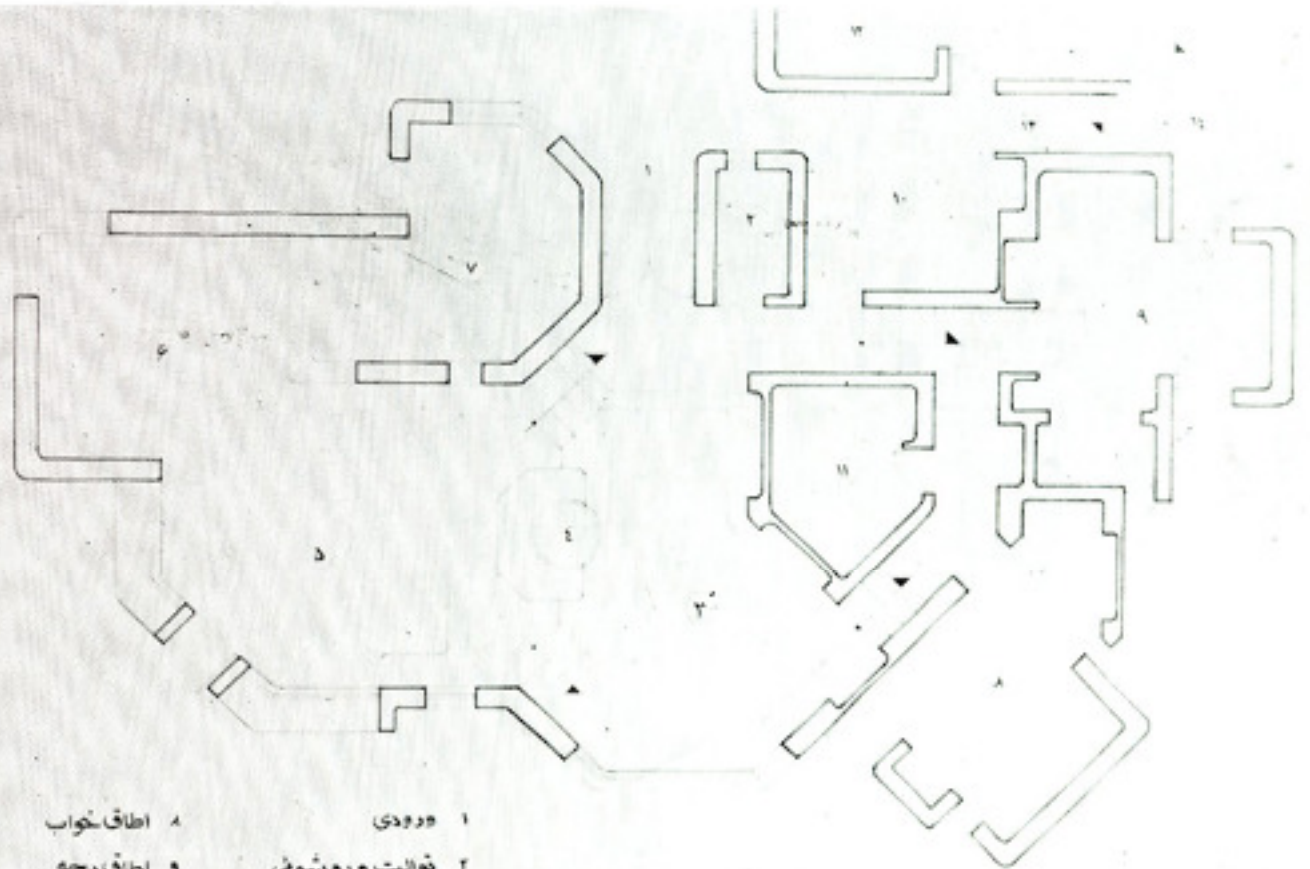
يك خانه مسكونی از : كلانتری - طبیب نیا - پطروسیان

۲۰۳۲۰ انتخاب شده است . کلیه تاسیسات لوله کشی نمایان میباشد . در خانه لازم بتذکر است که قیمت يك متر مربع زیر بنا به استثنای لوازم بهداشتی ۲۱۰۰ ریال میباشد سطح کلی زیر بنا ۲۲۵ متر مربع است .

گرمش و تنوع خطوط معماری روستائی ما بچشم میخورد جهت مصالح نماسازی با توجه بشرايط محل و اقداماتی که از هم اکنون برای ایجاد جنگل های مصنوعی صورت گرفته از فرش آهك استفاده گردیده تا با زمینهای که بوجود خواهد آمد ترکیب مناسبی پیدا کند . برای فرش كف آجر مربع

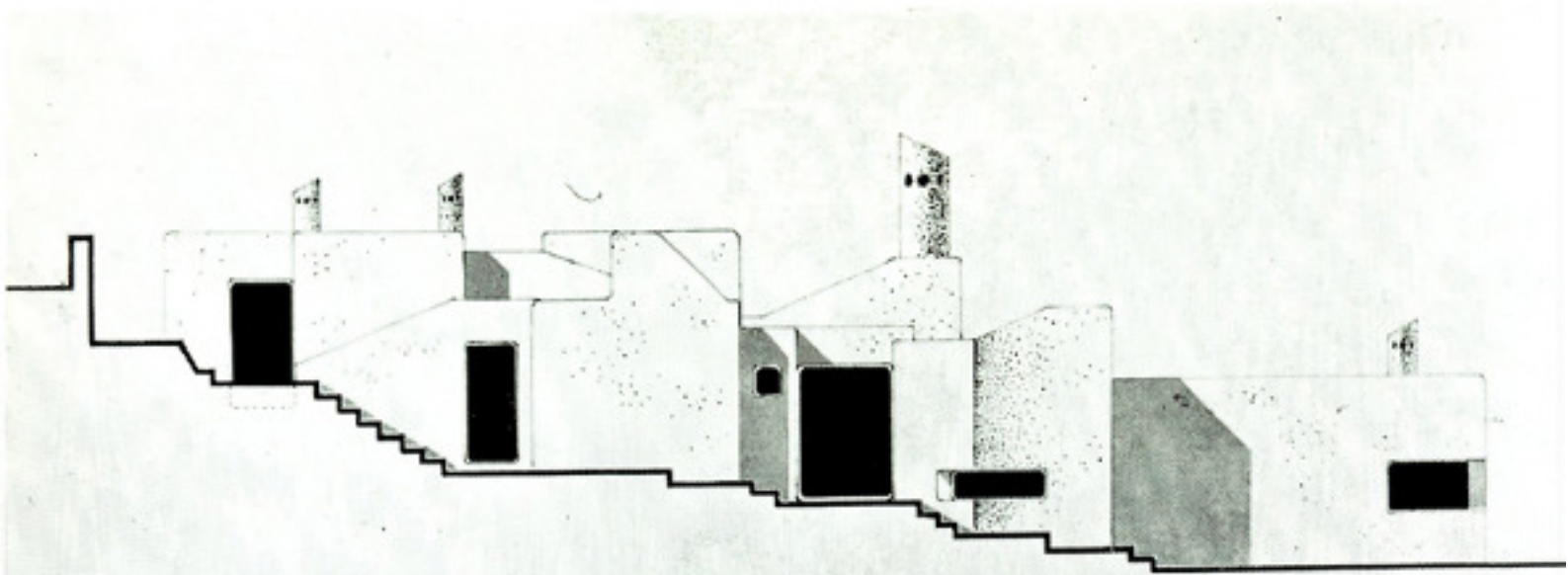
در پلان بخاطر جهت دید انتخاب شده و همچنین با توجه به تویوت گرافی زمین اختلاف سطحهایی که در كف بنا ایجاد گردیده در سقف نیز تظاهر آنها بچشم میخورد . با استفاده از این مطلب روی بام محوطه مناسبی جهت بازی بچه پیش بینی گردیده است . بطور کلی در طرح این خانه

در این پروژه سعی گردیده تفاوت فضا های مختلف خانه تنها در سطح افق و نسبت طول و عرض آنها نباشد بلکه ارتفاع هريك از قسمتها بنا با اهمیت آن انتخاب شده . شمای مرفه نظر از عوامل آب و هوایی و فونکسیون داخلی مسئله دید نیز در شکل دادن مجموعه تاثیر بسزائی داشته و اغلب زوایا

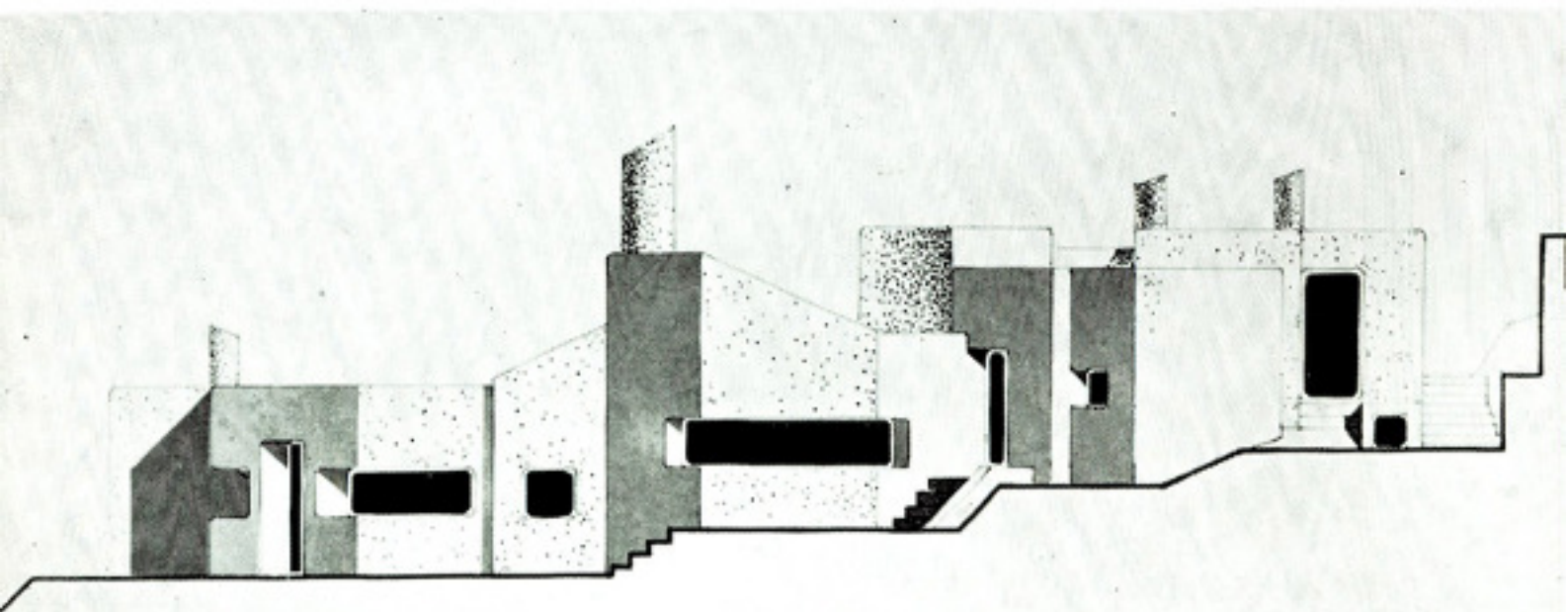


پلان طبقه هم کف

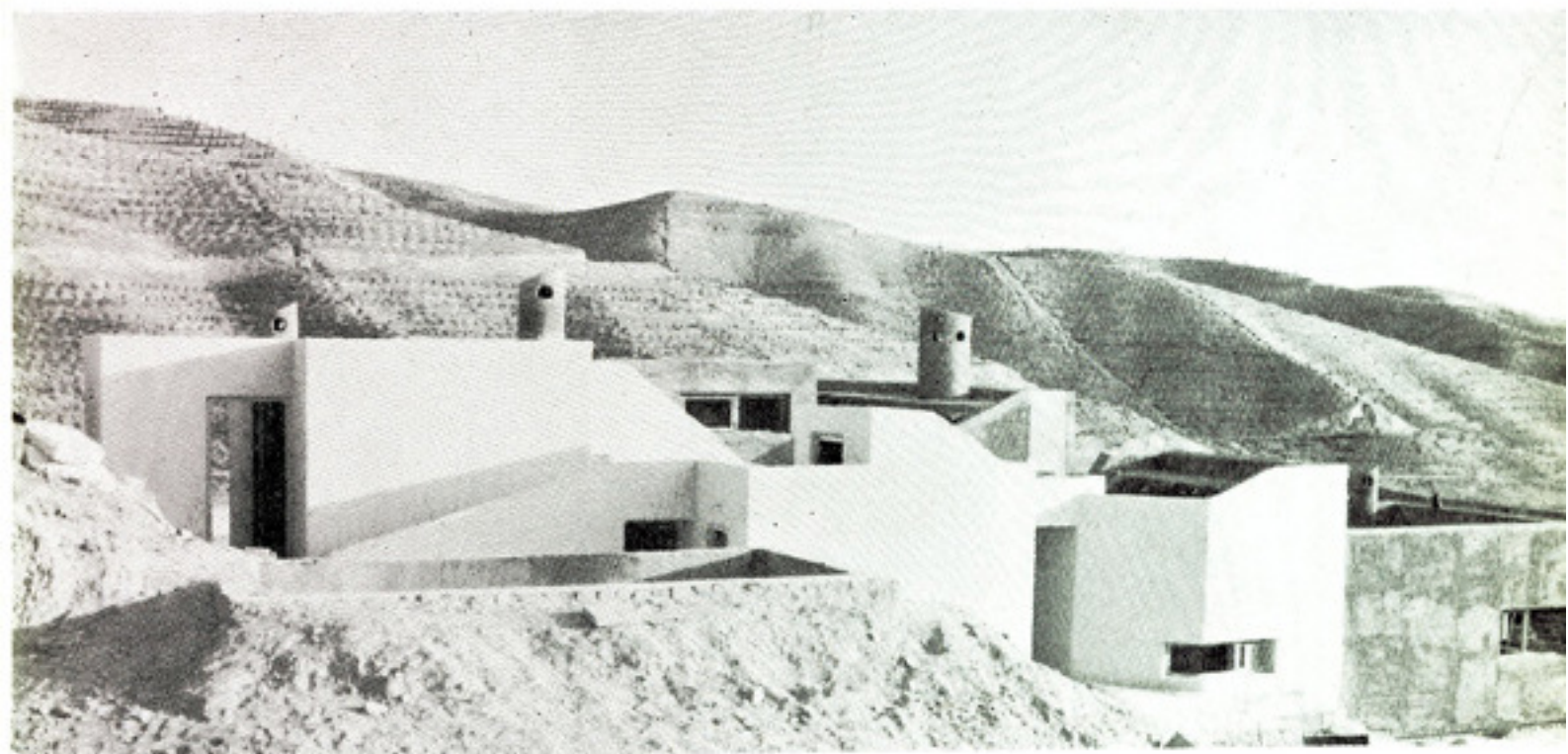
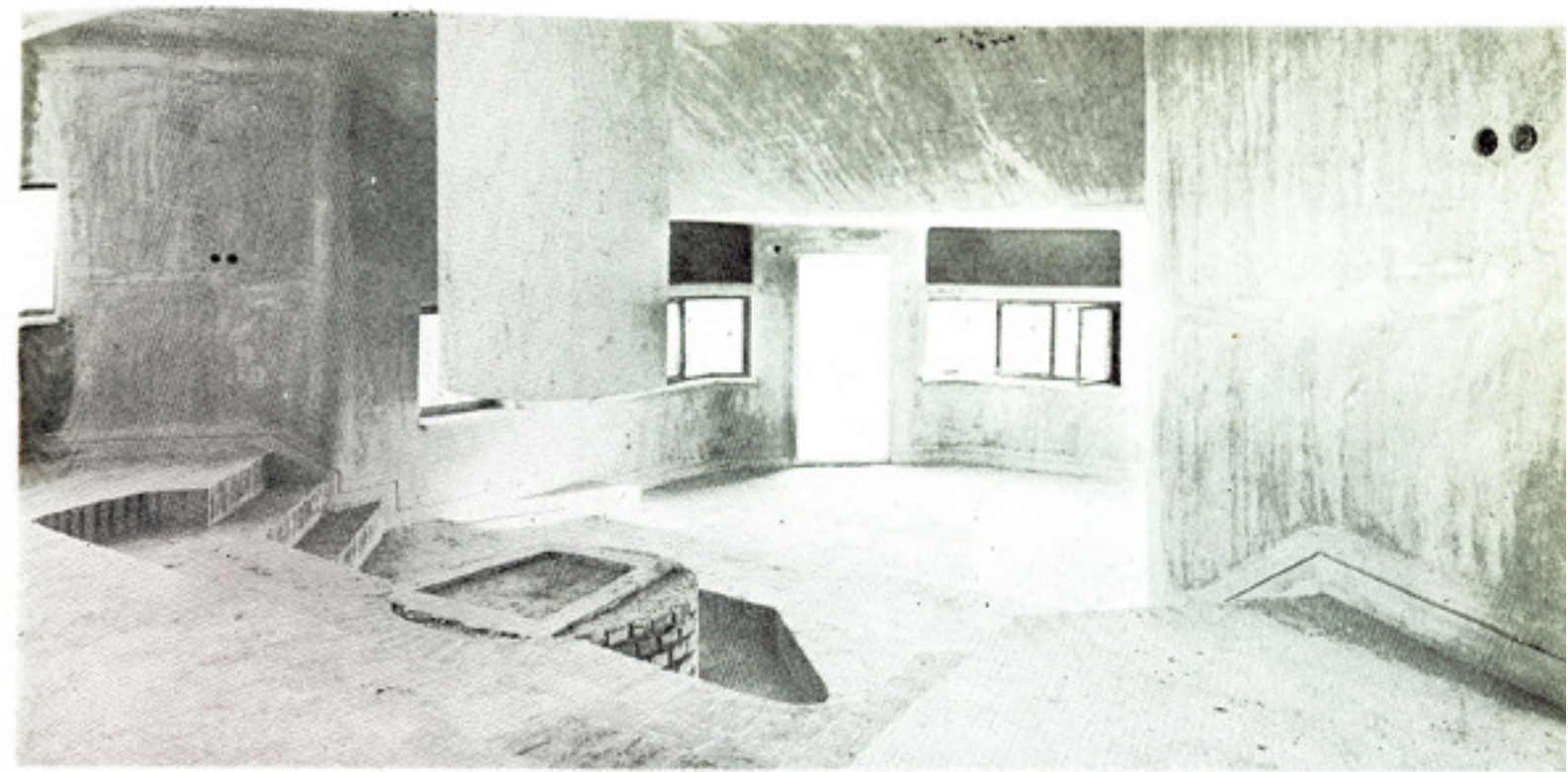
- | | |
|-------------------------|-----------------------|
| ۱ ورودی | ۸ اتاق خواب |
| ۲ قوالت و روشویی | ۹ اتاق بچه |
| ۳ محوطه کار و کتابخانه | ۱۰ اتاق مستخدم |
| ۴ بخاری | ۱۱ حمام |
| ۵ محوطه پذیرائی و زندگی | ۱۲ قوالت و دوش مستخدم |
| ۶ محوطه غذاخوری | ۱۳ پله بطرف زیر زمین |
| ۷ آشپزخانه | ۱۴ مشیب بطرف بام |



نمای شمالی



نمای جنوبی



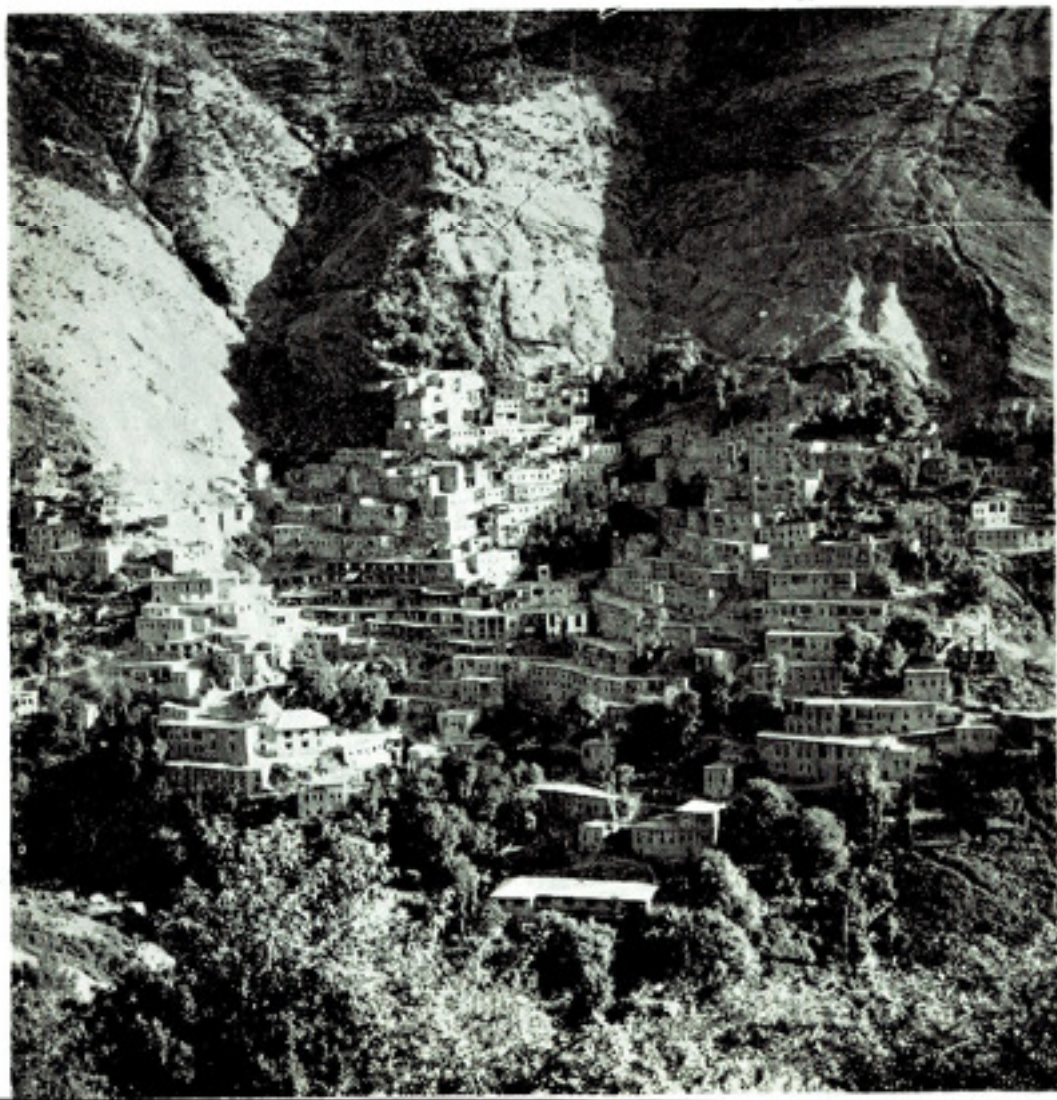
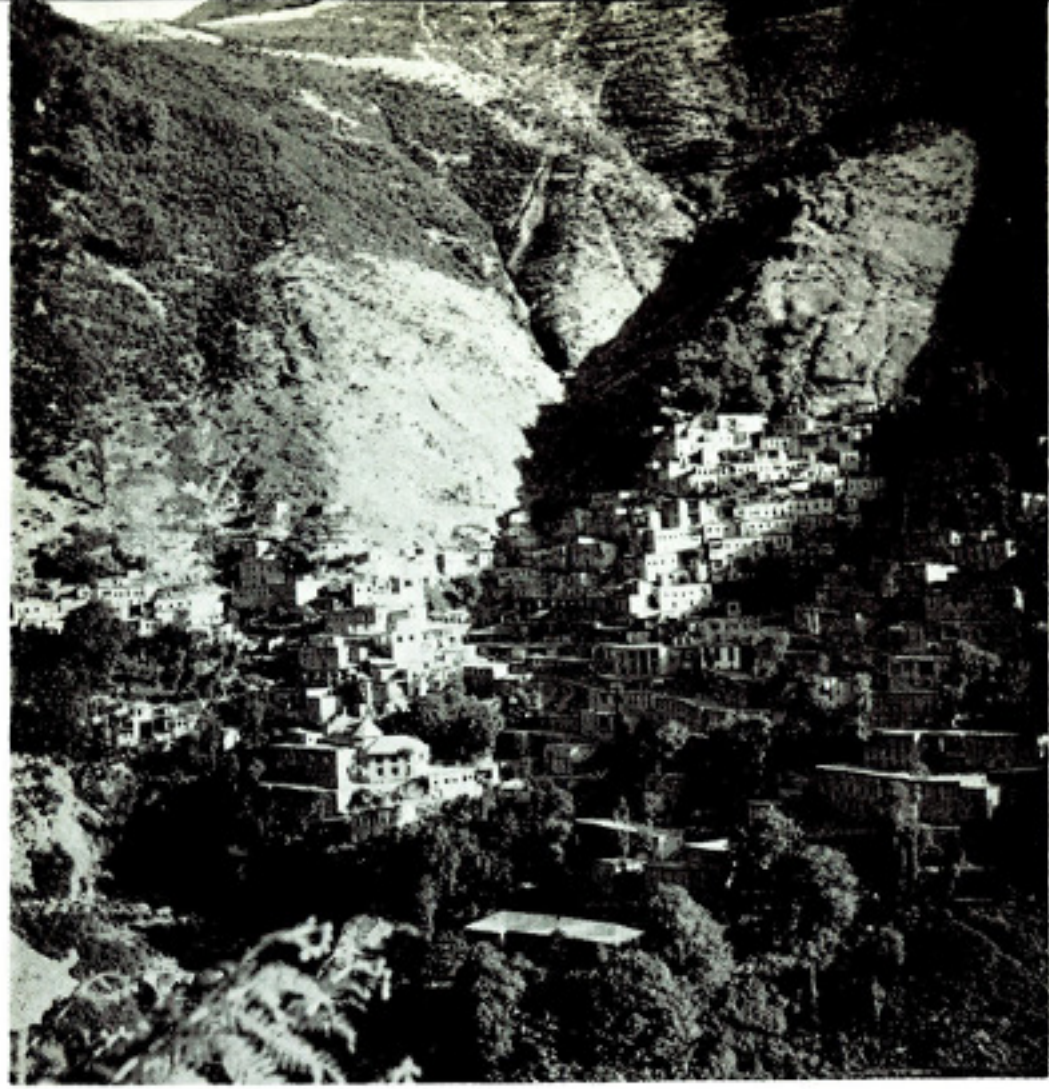
بست و هشتم

هنر معماری ۲

ده ماسوله

ده ماسوله در شمال غربی شهرستان رشت قرار گرفته است . مصالح ساختمانی آن از خشت و گل میباشد که خاک آن را از کوه واقع در روبروی ده می‌آورند . این خاک رنگ زرد بخصوصی دارد. قدیمی‌ترین ساختمان آن مسجدی است که طبق گفته ساکنین ده قبلاً بصورت امامزاده وجود داشته و بعداً خانه‌های اطراف آن ساخته شده است .

قدمت این مسجد در حدود ۹۰۰ سال می‌باشد .





ترجمه سعید وکیلزاده
از مجله FORUM

شهرت هادد مقیاس جدید

عظیم‌ترین تحول قابل قبول در معماری را می‌شوان وضع جدید شهرها دانست که مبین روش معماری نو می‌باشد. بدین معنی که تجدید و گسترش و احیاء شهرها موقعیت مناسبی جهت ایجاد ساختمانهای مختلف بدست داده است، گرچه موقعیت جدید بعضی محیط خود شهر به عامل دیگری مربوط نیست با این وجود نمیتوان از تاثیر معماران حرفه‌ای بر روی طرحهای شهری چشم پوشی کرد.

گسترش این موقعیت موجب تحولات عظیمی گردید. تا آنجا که معماری انعطاف پذیر بیشتر مورد قبول واقع شد و این فکر که طرحهای دائمی و همیشگی رو بزوال‌اند از جانب عده زیادی پذیرفته گردید. در این سیستم جدید معماران با گروه‌هایی که از نظر اجتماعی دارای دیدهای متفاوت بودند از جمله سیاستمداران، طراحان و جامعه‌شناسان رابطه برقرار کردند و این همبستگی نه تنها از حیثیت و اعتبار معماران و طراحان نکاست بلکه باعث محدودیتهای شدید در امر معماری و پیچیدگی‌هایی که بیشتر شهرها با آن دست یگریانند بارزش آنها افزود. برای رفع این مشکلات تلقینی از روشهای جدید موجود ضروریست، بدین معنی که با منظور نمودن این سیستم بوسیله معماران میتوان دگرگونی کاملی در شهرها بوجود آورد.

مشله‌ایکه اقدام فوری را در شهرها ایجاد مینماید سیخ دو نیرو است:

اول تجدید بنای خود شهر بخودی خود بهمان شکل که مکانیسم تمدن عمل میکند.

دوم بوجود آوردن طرحهای جدید برای زمینهای باقی مانده در اطراف و حومه شهر.

عمل اول محتاج به ساحت عناصر اجتماعی است و روش دوم مستلزم تعهداتی مبنی بر خودداری از سوء استفاده از زمینهای حومه‌شهر. اما مساله اساسی و مشکل سر و صورت دادن به مراکز شهری است که این خود سبب نابودی بعضی از قدرتهائی میشود که رل اساسی را تشکیل میدهند.

نشانه بارزی که دلیل بر ضعف وزوال شهرها با در نظر گرفتن وضع کنونی آنهاست بنا های مخروطی است که بسورت توده‌هایی از گل مربوط به آثار فرد پرستی قرن نوزدهم که مصادف با سالهای انقلاب صنعتی و مهاجرت های افراد است باقی مانده.

این خرابیها و آثار ناموزون چیزی نیست جز نتیجه اشغال شهرها در اثر جنگ و بحرانهای اقتصادی. در شهری که در آن ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر ساکن هستند زندگی فقط برای مردمی باین و روحی بیمار قابل تحمل است، که در این بین کارگران غیر متخصص، افراد من و کودکان خردسال بسیار یافت میگردند که اکثرا از طبقات پائین جامعه میباشند، طبقه متوسط از شهرها بیرون رفته‌اند و فقرا وارث نکت شهرها شده‌اند.

فقرا جزء طبقاتی هستند که در شهر احساس بیگانگی نمیکنند و همیشه در سایه آن زندگی مینمایند. و این سایه‌ها محلی دائمی برای آنها بشمار میرود زیرا در گذشته طبقات مرفه آنها را از این سایه‌ها نیزس می‌راندند. شهر محللیست که همیشه فقرا را در خود نگاه داشته و در دامان خود تربیت کرده است و بآنها فرصت موفقیت داده و شاید بهمین دلیل است که شهرها دچار رکورد شده‌اند.

از اختلاف مهم طبقاتی که در سالهای گذشته نیز وجود داشته است تاثیر تبعیضات نژادی بر روی محلات شهر میباشد که مانع توسعه آنها شده است این خود دلیلی برای فرار طبقه متوسط بوده است.

مطلب مورد توجه آنست که نه تنها فرهنگ شهر های امریکا ترقی نکرده بلکه در اثر تنزل به طبقه خطرناکی رسیده است. طبقه سفید پوست سرخویش دارند بدون اینکه مناطق طبقه فقیر و سیاه پوست را در نظر بگیرند.

و شاید بدین علت باشد که طبقات فقیر در حاشیه جاده ها و در نزدیکی مراکز شهر زندگی نمیکنند و همین جمعیت است که کورکورانه بطور سرسام آوری رو بافرایش میباشد و در نتیجه این مسائل است که فرهنگ این مردم در حال رکود و دست نخورده باقی مانده است.

فرهنگ یا رسوم یک ناحیه مربوط به خود آن ناحیه میباشد و از رسوم شهری کاملاً جداست و هیچگونه ارتباطی با آن ندارد و بیشتر فرهنگی مایوس کننده و غمگین و ملامال از درد و غم تشکیل دهنده رسوم و آداب طبقات فقیر و سیاه پوست میباشد.

در مورد معماری

از: سیروس باور

در این بحث ما سعی میکنیم يك نقطه عطف و تکیه ، نکته‌ای که بر روی آن بتوان تئوری معماری نو را پایه‌گذاری کرد پیدا کنیم . ولی این بسیار مشکل و شاید غیرممکن باشد زیرا معماری امروز يك معماری است که فقط در ساعت زندگی میکند و دارای روحیه‌ای ابدی و زنده که بتوان آنرا دلیلی برزنده ماندن آن دانست در آن وجود ندارد .

وقتی که بيك خانه و بزبانی به مخلوق مفر يك آرشیكت نگاه میکنم به سایه روشن ها ، بدیوار ها ، به اشیاء داخلی آن فکر میکنم ، میبینم که این خانه بدون اینکه اثری از معماری در آن دیده شود زندگی میکند زنده میماند و در آن زندگی میکند آنوقت است که حس میکنم که در معماری امروز نیز بانام هرج ومرج قلبی وجود دارد که می‌تهد زنده میماند . ولی آیا این هست معماری جدید کدام است ؟

امروزه با مطالعه فقط يك کتاب معماری مدرن بدون اینکه احتیاجی بگذشت قرن‌ها باشد می‌توانیم بفهمیم که چقدر تنوع ، هرج ومرج و وسعت و چقدر اختراع و آرزو ها و ایده های بلند در قلب بشر قرن بیستم نهفته است .

از اواخر قرن نوزدهم تا امروز در طول مدت قریب هفتاد سال تاریخ معماری حاکی از مکتب های متفاوت و انواع مختلفی است که از بدو تاریخ تا اواخر قرن نوزدهم در روی زمین اتفاق افتاده است .

ولی اکنون زمانی است که دیگر برای این حرکت و برای این جنبش ها و برای این فعالیت های متفاوت يك هدف واحد و برای این کشتی يك لنگرگاه بیابیم و دربیابیم که هدف اصلی آن نقطه‌ای که هدف نهایی ما است کدام است و چه راهی را باید برای رسیدن بآن ادامه دهیم . اگرچه دینامیزم زمان ما حکم‌کننده حتی آن‌بندر و هدف نهایی نیز متحرک باشد ثابت و ساکن نباشد و حتی اگر منزل ما هم بصورت همان قایقی درآمد باشد که با جریان زمان در حرکت است و ما فقط می‌توانیم آنرا کنترل کنیم نه هدایت بطرف هدف .

با داشتن دید انتقادی مسئله خیلی واضح است چون امروز کتب و مجله و روزنامه های بسیاری راجع به معماری بچاپ میرسد که این خود باعث میشود که همه کم و بیش راجع به معماری جدید آشنائی داشته باشند و خود این نوشته میتواند گواه صادقی برای معماری امروز باشد .

تأیلات و هدفهای معماران گذشته و حتی حال ، امروز دیگر برای ما روشن و مشخص است . کلاسیسم ، اکسپرسیونیسم ، فونکسیونالیسم ، راسیونالیسم ، ارگانیک و بروتالیسم از لغاتی هستند که مورد استفاده همه‌کس حتی آنهایی که معنی آنها را نمیدانند قرار گرفته است .

وقتی تصویر معماران و آرشیکت هائی که معماری مدرن را بوجود آورده‌اند و مخلوقات مختلفشان پیش چشم مجسم میشود باین فکر می‌انتم که بچه دلیل معماری امروز تا این حد با معماری گذشته متفاوت است و بعد سعی میکنم که تصویر يك شهر تازه يك شهر مدرن مثل نیویورک را با آسمان خراشهایش پیش خود مجسم کنم آنوقت از خود میپرسم که آیا چه چیز آن مدرن است ؟

مسئله در وحله اول ایجاب آن است . زیرا که مقیاس انسانی عوض شده و این یکی از دلایل تفاوت معماری مدرن است و منظره‌ای

که اینها بوجود می‌آورند بسیار متفاوت میباشد و میتوان گفت که اهمیت آنها بیشتر در مجموعه آنهاست نه در تک‌تک آنها . از اینکه بگذریم بقیه بطور وحشتناکی قدیمی است .

فضا در طبقات مختلف بقطعات کوچک قاچ قاچ شده . استخوان بندی با وجود اینکه از آهن است از آن همانطور استفاده شده که در قدیم از چوب میشده و حتی طرز تقسیمات آپارتمانها و دفاتر کار با قدیم تغییر نکرده است و دیوار های شیشه‌ای هم نتوانستند جبران این کمبود را بکنند فقط لباس است که عوض شده و بجای سنک و آجر از آهن و شیشه استفاده شده است . تنها چیزی که در اینجا توجه را جلب میکند اینست که چون وزن کمتری دارد منطقی‌تر است ولی باز هم خاصیت همان لباس را دارد که میشود با مقتضیات زمان آنرا عوض کرد و بنظر من نمای خارج يك بنا باید نتیجه مستقیم معماری داخلی آن باشد و صحیح نیست آنرا طبق دلخواه تغییر دهیم .

بعد از آن يك بنای با استخوان‌بندی و فرم افقی مثل ساختمان واحد مسکونی ماری را در نظر میگیریم و میخواهیم ببینیم که چه چیز آن مدرن است . در این مورد علاوه بر ابعاد ، المان های تازه‌ی چشم میخورد خیابان مستقیما داخل خانه میشود و خانه در هوا معلق است و خود آپارتمانهای Duplex هم يك تقسیم‌بندی فضائی جدید را درست کرده‌اند . استخوان‌بندی‌اش اکسپرسیو و بیان کننده است و ناگهان متوجه میشویم که ساختمان حاوی يك ایده نئوکلاسیسم است و مانند يك مرکز دیدنی زمان رنسانس مانند يك مونومان که در آن آزادی بشری بطرز وحشتناکی محدود شده و در بعضی از نقاط بکلی از بین رفته است ، متوجه میشویم که فرم مطابق قواعد





زیبائی و با هوشمندی انتخاب شده و نه بخاطر حقیقت و ماهیت وجودی آن و بهمین دلیل در عکس العمل نسبت بین احساس انسان بیاد يك کلیسا می افتد مثلا میتوان یکی از کلیساهای «گاودی» را در نظر گرفت در اینجاست که اگرچه هنوز هم در آن حالات رمانتیک دیده میشود ولی آدم آزادی بشری را دوباره باز می یابد ، بالاخره چیزی پیدا میکنیم که در فرم آزاد است . بوجود آورنده اش فانتزی بشری بوده است . نه استدلال خنک و تنها . ولی باز هم این قانع کننده بنظر نمیرسد زیرا که گذشته از چند المان دکوراتیو در آن چیزی که متعلق بهما و نسل ما باشد نمی یابیم . حتی آن آرک های مورب و مایل نیز که بنظر میرسد میخواهند فضای جدیدی بوجود بیاورند و نحوه قرار گرفتن آنها ما را بیاد هندوستان هزار سال قبل میاندازد . بهمین دلیل است که از این هم زیاد لذت نمی بریم و چیزی میخواهیم که از آن منحصرتر اجتماعی تر و صنعتی تر باشد .

بنابراین بیک سبک و مکتب بین المللی توجه میکنیم که بنظر میرسد بیش از سایرین با زندگی امروز هماهنگی داشته باشد اگرچه ساده تر از بناهای قبلی است ولی حقیقتی تر و زندگی هم نزدیک تر است ولی موقعی وارد یکی از آنها میشویم باز هم می بینیم که در اینها نیز حتی آن اصولی که در بناهای قبلی رعایت شده بود موجود نیست و متوجه میشویم که حتی استخوانبندی آن نیز مخلوط تر و کم مایه تر است .

اینجاست که باز بفکر می افتیم چیز دیگری پیدا کنیم معماری تن بیک و نمونه آزاد و خارج از قیود مشتری و قوانین شهرداری مثلا مثل يك ویلای خصوصی لاقبل آن چیزی که مردم اسم مقر رویش می گذارند . و بالاخره در برخی از ویلا های بعضی از معماران شاید اثری از آنچه جستجو میکردیم بیابیم . يك سیالتر يك انگتراسیون و یکی ساختن فضای داخل و خارج و بالاخره يك فرم اکیوسیو و بیان کننده که حاکی از وجود حقیقتی ارگانیزم های آن باشد و پرداخته برای یک نفر .

اینجاست که افکارمان متوجه سد های بزرگ و اتوبانهای عظیم میشود و میگوئیم که بالاخره چیزی که دارای ابعاد حقیقی و متعلق بقرن ما است پیدا کرده ایم با وجودیکه بسیار ساده و ابتدایی هستند حقیقی و خالص میباشند ولی باز هم متوجه میشویم که وجود بشر چیزی کاملتر از این آرزو میکند زیرا در وجود شخص وی نیز تنها عنایات و پوست و استخوان مهم نیستند بلکه مغز و قلب نیز چیزهایی را میطلبند که بآنها رسانیت و لذت ببخشند و بآنها تعلق داشته باشد . بالاخره بتجسس در میان آن معماری هائی میرویم که علاوه برداشتن حقیقت و قدرت سد ها و اتوبانها چیزی بیشتر داشته باشد مثل يك استادیوم یا کاخ ورزشی بزرگ .

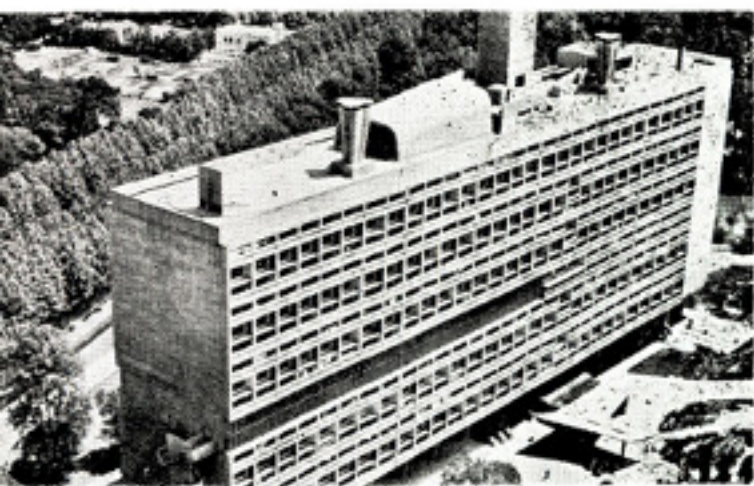
برای چند لحظه از بی پیرایگی و خالص بودن يك استخوانبندی بخصوص احساس آرامش میکنیم . ولی بعد انسان پابن فکر می افتد که در يك هوایی جت همین احساس موجود است مضافا باینکه دارای حرکت نیز هست پس این نیز برای بشر کافی نیست . بنابراین بدنبال يك بنای محلی و دور از شهر ولی دلچسبتر و گرمتر و حقیقتی تر میرویم در آن باز هم سبک و چوب و فضائی با اشل انسانی می یابیم ولی باز این هم ما را بیاد يك بهشت گم شده میاندازد و رنجمان میدهد . بهر حال ما همه نوع بنا و همه نوع معماری را بخاطر می آوریم - معماری ها و بنا هائی که معرف زمان ما هستند - متوجه میشویم که آرشیفتکت هائی در گذشته و حال زحمت کشیده اند و در بوجود آوردن آن سهم دارند تا آنجائی که معماری نو را بوجود آوردند معماری که باعث میشود ما نسبت به خود و زمان خود و آنچه که بوجود آورده ایم احساس افتخار کنیم .

ولی اگر درست فکر کنیم می بینیم که مدت زمان این رضا کوتاه است زیرا سئوالهای تازه ای برای ما مطرح میشود آیا بین تمام این عوامل و تمام این تجربیات و تمام این سهم ها کدام يك بیش از همه

معرف این است که آرشیفتکش را مدرن بخوانیم و متعلق بزمان خود بدانیم .

وقتی که بیشتر تخصص میکنیم تجزیه و تحلیل میکنیم فقط دو چیز باقی میماند که متعلق بزمان ما است اول يك نوع امکانات تازه از لحاظ استخوانبندی ساختمانی که يك نوع آزادی جدیدی از لحاظ اکسپرسیون بیان معماری را میدهد و دیگری يك نوع درک و فهم فضائی که بطور کلی در کلیه معماری های مختلفی که امروز بوجود آمده مشترک دیده میشود . که اگر آیندگان بخوانند روزی درباره معماری قرن بیستم قضاوت کنند خواهند گفت که مردم قرن بیستم شهری مختص بخود بوجود نیاوردند روش جدیدی برای زندگی نداشتند . ارگانیزم و تیپولوژی تازه ای در بنا ها برقرار نکردند ولی در عوض امکانات تازه ساختنها و تکنیکی اختراع کردند و از همه مهمتر يك نوع فضای تازه بوجود آوردند یا بهتر بگوئیم که فضائی مخلوق معماران قدیم و پیش از خود را برای بوجود آوردن فضائی تازه هماهنگ با فضا های موجود خراب و از بین بردند .

بدین ترتیب ما دو المان مطمئن برای اینکه بتوانیم بآن تکیه بکنیم پیدا کردیم فضا و دیگری استخوانبندی و از آنجا که این دو عامل از عوامل اصلی معماری هر زمان بشمار میروند می توانیم خوشحال باشیم از اینکه معماری قرن بیستم دارای مشخصات مخصوص خود میباشد ولی باز اینهم کافی نخواهد بود







آخرين اثر فرانك لويد رايت
يلك موزه :

دستیگیری زلزله

از: دکتر کوشی افشار

کشور عزیز ما ایران متأسفانه در یکی از خطرناکترین کمربندهای زلزله خیز جهانی که بنام آلباید نامیده می‌شود قرار گرفته و از ازمته قدیمه تا بحال دائما خسارات جانی و مالی را تحمل نموده است.

مطالعه سوابق تاریخی ویرانیهای حاصله در اثر زلزله در ایران نشان میدهد که شهرهایی از قبیل ری که قبل از هجرت در اثر زلزله خراب شده‌اند یا شهرهایی از قبیل تبریز - نیشابور - دامغان - طبرستان و اسفهان که در قرون اخیر ویران گشته‌اند یا خرابیهای ۵۰ ساله اخیر از قبیل سلماس - قوچان و خسارات ۲۰ ساله اخیر در طرود - گرگان، لار و بوئین زهرا - ماکو و اخیرا در شرق خراسان و حتی کلیه شهرهایی که سابقا در پشته ایران بوده و امروزه خارج از مرزهای سیاسی قرار گرفته‌اند از قبیل بیت المقدس - بغداد - حلب - دمشق و بعلبک و شهرهای قفقاز که هریک در دورانی از تاریخ خود ویران گشته‌اند همگی یا مستقیم و یا غیر مستقیم در روی این محور یا در مجاورت این کمربند خطرناک زلزله خیز جهانی قرار گرفته‌اند.

متأسفانه این وقایع از قرنهای پیش از پیدایش تمدن و علوم در این سرزمین شروع شده و حتی امروزه نیز با پیشرفت علوم مختلف فیزیک زمین و زلزله شناسی و شناسایی کامل به لایه های داخلی زمین و نحوه حرکات آنها ادامه دارد. مادامیکه ساختمان های شهرها و قراء بر طبق اصول و موازین فنی مقاوم زلزله طرح و ساخته نشوند خرابیها و خسارات همچنان ادامه خواهد داشت و برای تخفیف خسارات و جلوگیری از این سوانح طبیعی راه جز اتخاذ یک دفاع علمی و فنی نمیتوان یافت.

از کشورهای که در تمدنهای قدیم در مسیر کمربندهای زلزله خیز جهانی بوده‌اند در موارد مختلف خسارات جبران ناپذیری را تحمل کرده‌اند مانند امپراطوری رم و ایران و سرزمینهای کارتاژ و فنیقیها و آشور و کلدک کشور ایران تنها کشوری بوده که از آئین

نامه های ساختمانی مقاوم زلزله آن دوره که توسط هامورابی تهیه شده بود استفاده مینموده است. از قوانین هامورابی در امور ساختمانی و طرح های عمرانی چنین استفاده میگردد که اگر خراب شدن ساختمان و یا خانه را در اثر لغزش و یا جهات مهندس و معمار مربوطه تشخیص میدادند نامردگان محکوم به عقوبتی میگرددند که بمساحت ساختمان یا صاحب خانه وارد آمده بوده است.

آئین نامه ها و قوانین هامورابی در امور ساختمانی تصریح و تاکید می‌نماید که اگر صاحب خانه در اثر خرابی زلزله کشته شود باید معماری را که خانه را طرح کرده و ساخته اعدام نمود. چنانچه هریک از افراد خانواده ای در اثر خرابی زلزله کشته شوند افراد مشابه خانواده معمار و مهندس محکوم به اعدام خواهند گردید.

این نحوه قصاص میرساند که تا چه حد طرحهای ساختمان برای مقاومت در برابر اثرات زلزله در تمدنهای قدیم اهمیت داشته و خرابیهای ناشی از زلزله را فقط قصور و غفلت معمار و عدم توجه او به محاسبات لازم در طرحهای ساختمانی و انتخاب نوع مصالح میدانستند.

متأسفانه در کشوری با این قدمت تاریخی و تا این حد ارزش با اهمیت حفظ سلامت و مسمونیت افراد و ارزش زندگی آنها امروزه پس از گذشت قرنها در اثر عدم توجه مقامات مسئول و عدم نظارت مهندسين و معماران بطرحهای ساختمانی و انتخاب نوع مصالح ساختمانی غیر مناسب در مناطق زلزله خیز مرتبا خسارات جبران ناپذیری دوی داده میشود.

خرابیهای در شهرهایی از قبیل لار با ۷۰۰۰ تلفات جانی و بوئین زهرا با ۱۲۰۰۰ تلفات جانی و شرق خراسان با ۱۲۰۰۰ تلفات جانی بوقوع پیوسته و طبق محاسباتیکه بعمل آمده کشور ایران بطور متوسط سالیانه مبلغی در حدود ده میلیون ریال خسارات مالی و ساختمانی زلزله را تحمل مینماید.

در فرهنگ زلزله شناسی اصطلاحی وجود دارد که میگویند زمینی که لرزیده مجددا لرزش خواهد کرد ولی باید در فرهنگ مهندسين ساختمانی و طراحان شهرسازی اضافه نمود که از تخریب مجدد شهرهایی که در اثر زلزله منهدم گردیده‌اند و تجدید بنا میشود جدا معانعت بعمل آید و با استفاده

از طرحهای مقاوم ساختمانی حفظ و حراست از شهرها و آبادیها را تامین نمود. مهار کردن لرزههای زمین گرچه از عهده بشر خارج است ولی کنترل اثرات آنها در دست بشر امروزی امکان پذیر است.

در هر موقع که طبیعت منطقه یا ناحیهای را دچار زلزله میسازد همین طبیعت با کمال وضوح و برطرفی و با خونسردی کامل نست به تلفات جانی و مالی و اثرات دلخراش آنها يك نوع آزمایشگاهی را نیز در آن منطقه بوجود میآورد که متخصصین و دانشمندان میتوانند از مطالعه آثار و نحوه خرابیها و شکسته گنهای زمین بعقل آن پی برده و مکانیزم حرکت زمین را مطالعه و در ساختمانهایی که تجدید بنا خواهند شد از تکرار اشتباهات احتراز و محاسبات فنی را در طرحهای بعدی خود منظور و از خسارات آتی تا حدی ممانعت بعمل آورند.

در پشته ایران سالیانه ۳۰۰۰ لرزش خفیف و شدید ثبت میگردد و این می‌رساند که این منطقه اصولا از لحاظ ساختمان زیر زمینی در يك حالت عدم تعادل و ناراحتی بسر میرسد این وضعیت از میلیونها سال پیش وجود داشته و آثار و شواهد میرساند که تا چندین میلیون سال دیگر نیز ادامه خواهد داشت. یعنی اگر چنانچه بغوریت تدابیر عاجلانه ای جهت جلوگیری و دفاع و مقاومت اتخاذ نشود باید در انتظار عواقبی چه بسا شدیدتر از آنچه در گذشته اتفاق افتاده بود. چون منظور از این بحث نحوه تخفیف خسارات زلزله است لذا نکاتیکه از نظر کشور ما حائز اهمیت است و باید عاجلانه درباره آنها تصمیمی اتخاذ و اقدام شود تشریح میگردد.

۱- شناسایی کانونهای زلزله کشور قبل از بحث در باره تخفیف و جلوگیری از خسارات احتمالی زلزله باید قبلا کانونهای زلزله خیز کشور و موقعیت تمرکز و مشخصات آنها شناخته شوند. در کشوری مانند ایران که دارای مساحتی معادل ۱۶۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد و سالیانه در آن ۳۰۰۰ لرزش خفیف ثبت میشود باید يك شبکه کامل و مجهز با وسایل مدرن مخابراتی تهیه و در نقاط مشکوک و دستگاههای مخصوص که شتاب و سرعت حرکات زمین را ثبت نمایند نصب نمود. آن دستگاهها حرکت قوی زمین را بررسی نموده و مشخصات آنها را

تعیین خواهد نمود. و با داشتن مشخصات لرزشی هر ناحیه طرحهای ساختمانی مقاوم را میتوان با ضرائب معینی محاسبه نمود.

لذا بدوا باید در تقویت و توسعه این پایگاهها که مشمول شناسائی کانونهای زلزله و مشخصات آنها در پشته ایران است کوشید.

۳- تهیه نقشه لرزشی مناطق مختلف.

پس از شناسائی کانونهای زلزله خیز و تفکیک شدت و نیروی تخریبی آنها باید نقشه های لرزشی هر منطقه را تهیه و نقاطی که مستقیماً در خطر زلزله قرار گرفته یا میگیرند با مشخصات لازمه تعیین و مشخص نمود.

تهیه این نقشهها در برنامههای ساختمانی و عمرانی اعم از برنامه های شهرسازی یا روستائی مورد استفاده قرار میگیرند مثلاً نقاطی که در گذشته در اثر لرزههای شدید بناهای آنها از بین رفتهاند مانند مناطق لار - بوئین زهرا - ماکو - طرود - شرق خراسان و غیره را باید از سایر مناطق تفکیک و حدود اثرات احتمالی زلزله های آینده را در آنها مشخص نمود.

در اغلب ممالکی که در این رشته از علوم و تحقیقات پیشرفت زیاد نموده اند مشخصات زلزله کلیه مناطق را در جدول های معینی تنظیم نموده و چنانکه بعداً ذکر خواهد شد مورد استفاده مهندسی ساختمان قرار میگیرد.

۳- تهیه آئین نامه های ساختمانی مقاوم زلزله

پس از تفکیک مناطق مختلف و تهیه نقشه لرزشی آنها باید آئین نامه ها و مقررات ساختمانی مقاوم زلزله را براساس مشخصات نقاط و نقشه لرزشی منطقه تهیه و تدوین نمود.

در آئین نامه ها توجه مخصوص به نوع ساختمان و وسعت و ارتفاع و نوع مصالح و نحوه بنای ارکان ساختمان و اتصال دیوارها و ستونها و تیرهای سقف و یا آزادی نسبی قسمتها و قتل و بست نادن قسمتهائی دیگر کلیه براساس فورمولهای مخصوصی باید محاسبه و طرح گردند.

این رشته فنی که بنام مهندسی زلزله نامیده میشود متأسفانه در ایران تا بحال ایجاد نگردیده ولی خوشبختانه در چند ساله اخیر آئین نامه و مقررات ساختمان مربوطه تهیه و تدوین گردیده و فعلاً مورد استفاده بعضی از مسئولان ساختمانی مربوطه تهیه و تدوین گردیده ضمانت اجرائی نداشته و کانونی که

مجریان طرحهای ساختمانی را موظف اجرای آن نماید هنوز در مراحل اولیه است. برنامه های عمرانی و ساختمانی در مناطق زلزله خیز باید از هر لحاظ قبل از طرح محاسبه و ضرائب مربوطه دقیقاً در نظر گرفته شوند.

قبلاً باید ماکت یا نمونه ساختمان هائی که جنبه عمومی و سرمایه گذاری دارند مانند ساختمان های مرتفع سدا مراکز تولید نیرو و غیره با مقیاس خیلی کوچکتري تهیه و لرزه های مصنوعی مختلف را با آنها تحمیل نمود تا اثرات لرزه ها در آن معلوم شوند. نوع مصالح اینگونه ساختمانها باید دقیقاً مطالعه و پس از آزمایش دقیق و اطمینان از مرغوبیت و صحت از آنها استفاده نمود.

چنانچه ملاحظه میگردد در اغلب ساختمانهای روستائی و قراء ایران از خشت و گل و تیر گرد استفاده بعمل آمده و در اصول دیوار چینی و سقف بندی آنها هیچوجه توجه بنکات فنی و مقاومت مصالح بعمل نیامده لذا نمیتوان از آنها مقاومت در برابر نیرو های تخریبی زلزله را انتظار داشت کلیه ساختمانهای مناطق لار و بوئین زهرا، ماکو، شرق خراسان و غیره از اینگونه مصالح و نحوه ساختمان بوده و غیر از این سرنوشت از آنها چیزی دیگری نمیتوان انتظار داشت. لذا انتخاب نوع مصالح و نحوه استفاده از مصالح نوعی ایمنی و مسوئیت در مقابل نیروهای تخریبی ایجاد خواهد نمود.

۴- ایجاد سازمان نظارت بر طرح های ساختمانی در مناطق زلزله خیز نظر باینکه حسن اجرای طرحهای ساختمانی در مناطق زلزله خیز اهمیت بسزائی دارد لذا باید یک سازمان فنی نظارت متشکل از مهندسی متخصص ایجاد شود.

کلیه طرحهای ساختمانی در این مناطق زلزله خیز باید توسط گروه های مهندسی و متخصص بررسی و پس از اتمام ساختمان در صورت صحت عمل و گواهی آنها ساختمان اشغال شود و در غیر اینصورت از سکونت در این ساختمان ها جدا ممانعت بعمل آید.

عدول از آئین نامه ها و طرحهای ساختمانی مقاوم زلزله باید نه تنها تحریم بلکه قانوناً قابل تعقیب باشند.

۵- احتراز از تجدید بنا در مناطق شکستگیهای معلوم

در نقاطی که در مسیر کمربندهای زلزله قرار دارند یک نوع شکستگی هائی معلوم شده که چه با از وسط آبادیها

و شهرها و قراء میگذرد و از تجدید ساختمان ها در این نقاط باید احتراز و توجه داشت که مجدداً در روی محور شکستگیها یا در مجاورت آنها تجدید بنا بعمل نیاید.

متأسفانه در بعضی از نقاط ایران که در سابق دچار خرابی گردیده اند این اشتباه بعمل آمده و تجدید بنا در مجاورت یا در روی محور شکستگی قرار گرفته بدیهی است در این موارد همیشه مخاطرات احتمالی آینده امکان پذیر است و این اشتباه نیز در زلزله سانفرانسیسکو ۱۹۰۶ که تجدید بنا بعمل آمده تکرار شده است.

این شکستگیها که عامل مهم بروز زلزله است در اغلب نقاط ایران مشاهده و در بیشتر نقشه های زمین شناسی منعکس است و هیچوجه نباید برنامه های شهر سازی و یا ایجاد خطوط ارتباطات و تونلها و سدا و فرودگاهها و کارخانجات و منابع سنگین را در مجاورت آنها ایجاد نمود.

۶- تحقیق درباره غلغل خرابیها پس از وقوع زلزله.

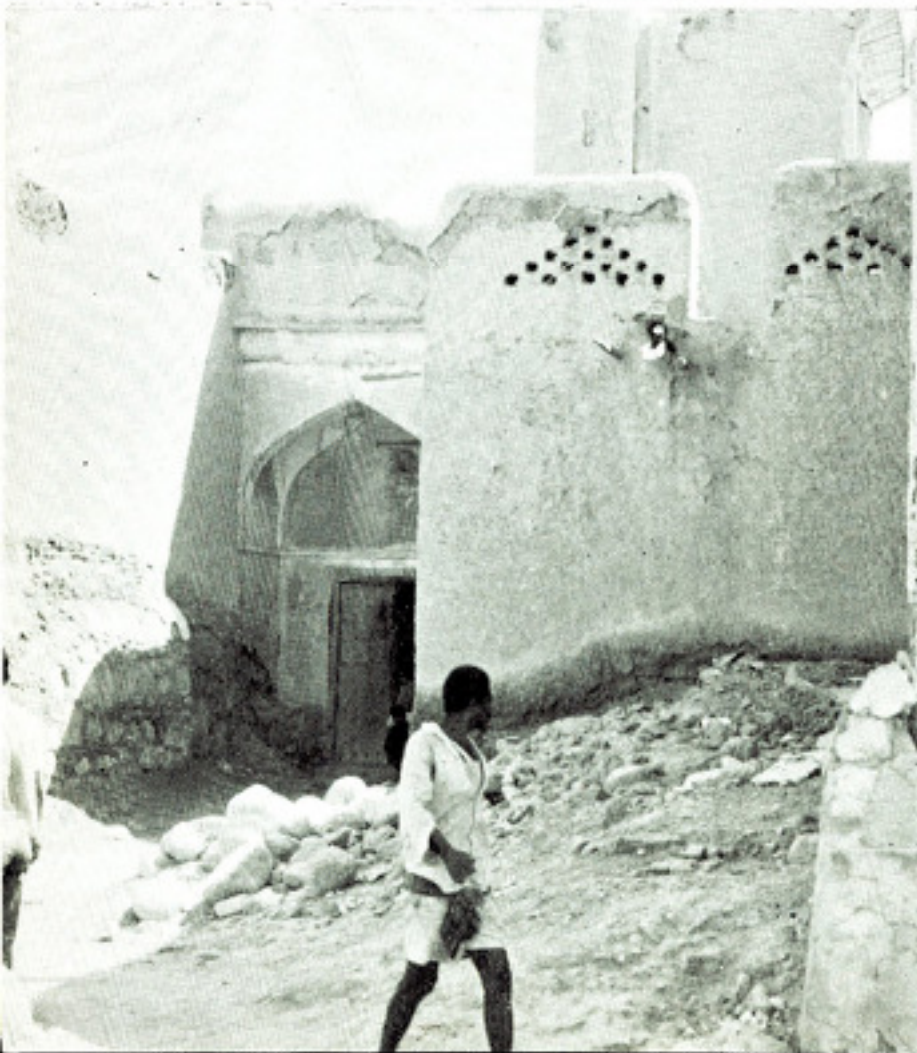
چنانکه قبلاً ذکر شد در مواقعی سوانح زلزله و با در نظر گرفتن آنکه در این موارد خشم طبیعت بستمتهای درجه رسیده و تلفات مالی و جانی بیشماری حاصل میشود طبیعت که خود منهدم کننده همین منطقه بوده آنرا بیسک آزمایشگاه تبدیل مینماید.

متخصصین و دانشمندان میتوانند به نحوه حرکات زمین یا مکانیسم حرکت پی برده و تا حدی یعلل و نتایج نهائی آن پی ببرند و نتایجی را که از این تحقیقات حاصل میشود در نقاط دیگر برای ایمنی و طرحهای ساختمانی مورد استفاده قرار دهند.



طرح جامع بندر عباس

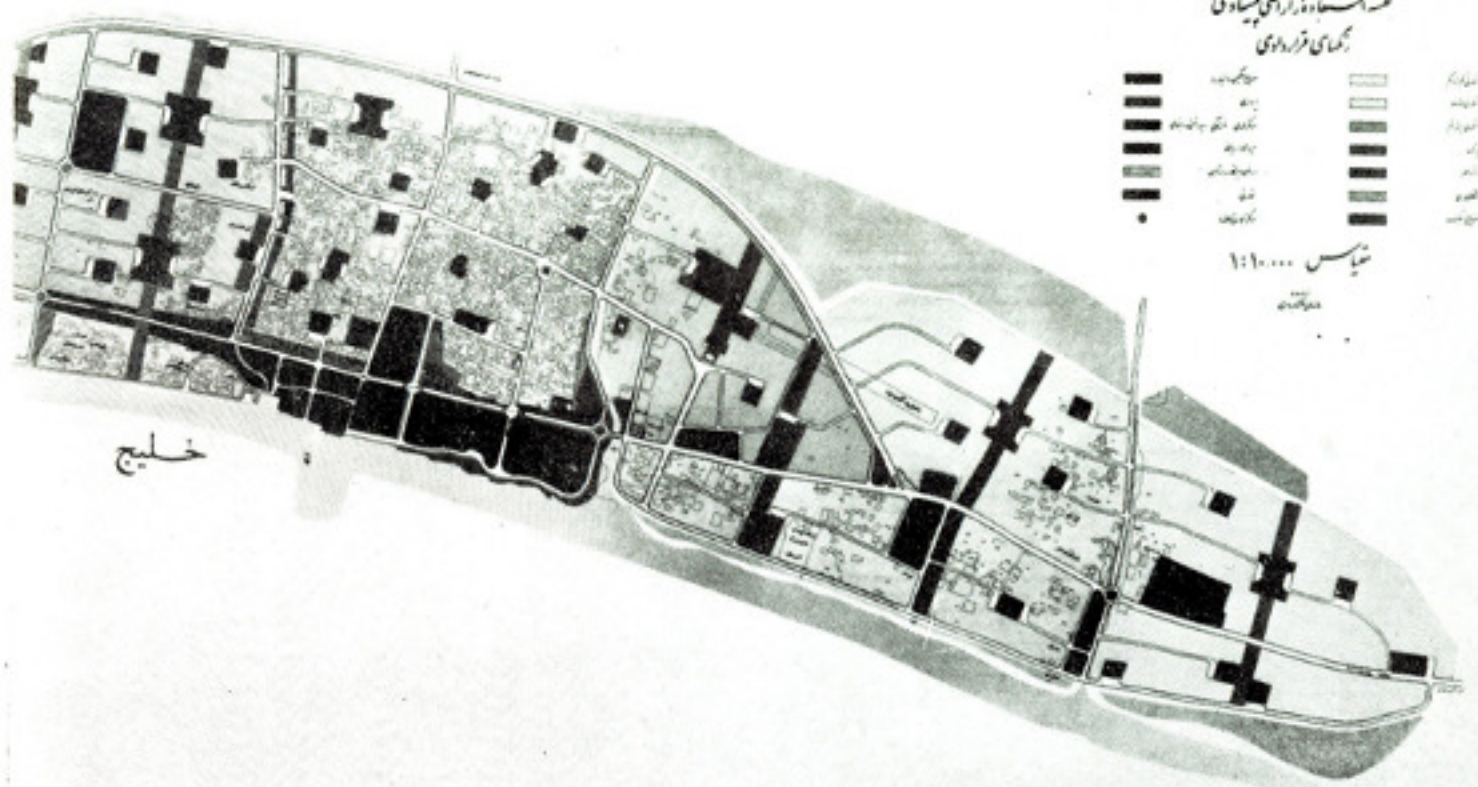
از: علی ادیبی



طرح جامع بندر عباس نقشه استاندارد شهری نمای فرودای

سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر
سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر	سنگ مرمر

شماره ۱۱۰۰۰۰
مقیاس



مهندس شاه و دکتر گل ایزی تهران

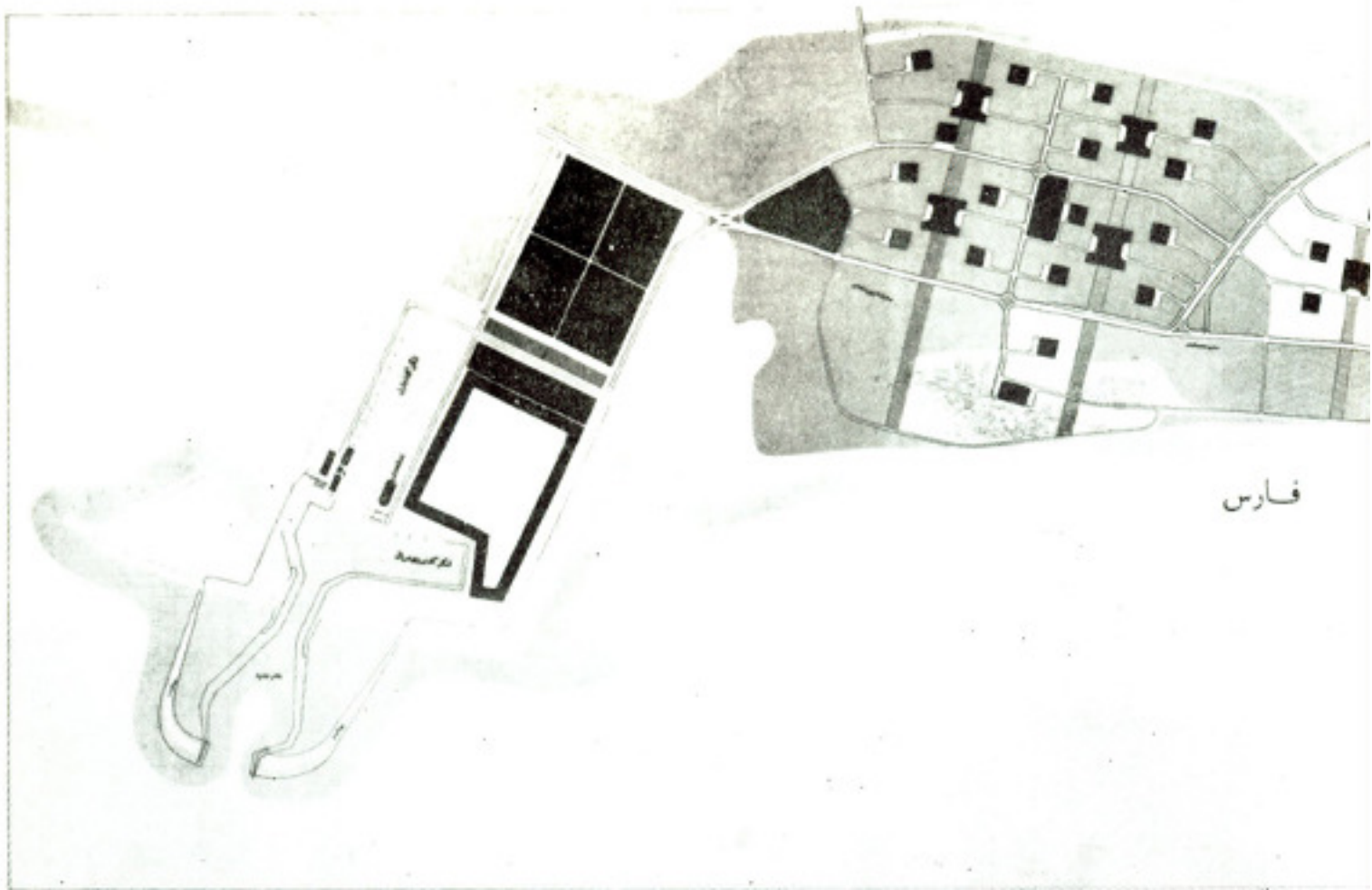
بندرعباس از شهرهاییست که در زمانی کوتاه توسعه بسیار یافته است و این توسعه هم اکنون نیز سرعت ادامه دارد. احداث بندر جدید و پروژه فرودگاه بزرگی که در دست اجراست و برنامه‌های اقتصادی و عمرانی دیگر، آینده روشنی برای این بندر قدیمی به‌شمار می‌دهد و میتوان گفت مسأله اقتصاد شهر بالقوه حل شده است به‌عین جهت وظیفه‌ای که برای نقشه‌جامع باقی میماند، کنترل و راهنمایی این توسعه سریع و ارائه طرق معقوله است برای فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی شهر، آنچنانکه از بندرعباس امروز شهری بوجود آید که از هر جهت درخور يك زندگی سالم و مطبوع برای مردم آن باشد. برپایه بررسی دقیق وضع موجود شهر از جهات مختلف اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی در هر زمینه نتایج معینی گرفته شده که در قسمتهای جداگانه پیشنهاد گردیده است.

نهایت نحوه بررسی بصورتی بوده که خودبخود بین طرحهای جداگانه در هر زمینه يك پیوند و يك رابطه درونی بوجود آورده‌است. این مطلب نیاز بتوضیح دارد:

اصولاً وقتی پدیده‌ای در شهری بوجود آمد جست‌وجو و یافتن عللی که سبب پدید آمدن آن گردیده مارا نه تنها در بهتر شناختن آن پدیده بلکه آنچه مهمتر است بدرنگ‌رابطه و پیوند این پدیده با پدیده‌های دیگر رهنمون می‌گردد.

شهر يك ارگانيسم زنده‌است. محال است در گوشه‌ای از این





فارس

برای صنعت ماهیگیری سواحل خلیج خواهد بود .

اهداف بلند مدت طرح جامع

طرح جامع شهر بندرعباس بمنظور رسیدن به هدف کلی زیر تهیه شده است :

۱- ساختن شهری از شهر موجود بنحوی که در آن محیط مطبوع سالم و امنی برای زندگی مردم آن ایجاد شود ، برای رسیدن باین هدف باید نکات زیر مورد توجه قرار گیرد :

- ۱- عناصر اصلی شهر - یعنی محلهای زندگی و محلهای کار - محلهای زندگی و کار مردم یک شهر باید نسبت بیکدیگر در محصل مناسب قرار گرفته و درعین حال با یکدیگر مخلوط نشود .
- ۲- املاک محلهای کار بمنظور ازدیاد تولید و توزیع بهتر کالاها و خدمات .

۳- املاک محلهای زندگی بطوریکه مردم شهر بتوانند در یک محیط خوش آیند ، سالم و بیخطر زندگی کرده و درعین حال از وسایل راحتی و خدمات محلی برخوردار شوند .

۴- توسعه و بهبود وسایل و خدمات عمومی شهر - این قسمت شامل اماکن عمومی و همچنین مدارس - کتابخانهها - مراکز عبادت - زمینهای ورزشی - فروشگاهها - مراکز بهداشتی و سایر خدمات است .

۵- املاک و توسعه معابر عمومی و سیستم ترافیک .

۶- تهیه خطمشی روشنی برای جلوگیری از توسعه نامرتب شهر و حمایت و حفاظت از ارزشهای تاریخی و زیبائی شهر .

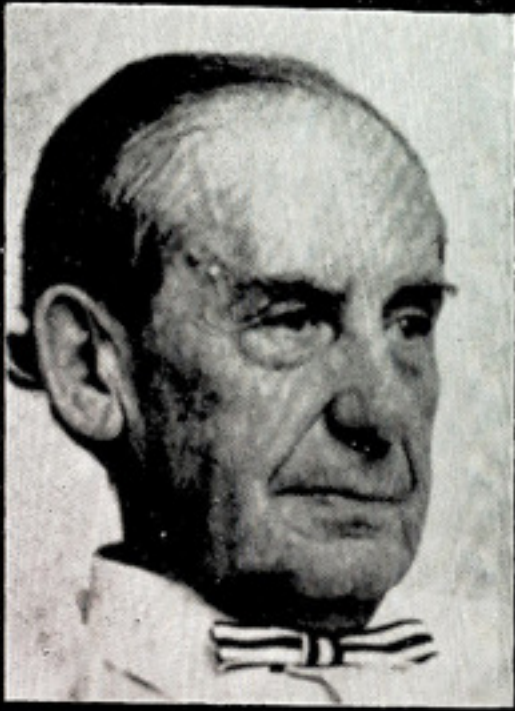
ارگانیم اتفاقی بیفتند بیآنکه این اتفاق بنحوی از انحاء در کار و فعالیت ارگانهای دیگر اثری بجا نگذارد . زیرا همه اجزاء ایمن ارگانیم بنحوی جدائی ناپذیر با یکدیگر مربوط و مرتبطاند .

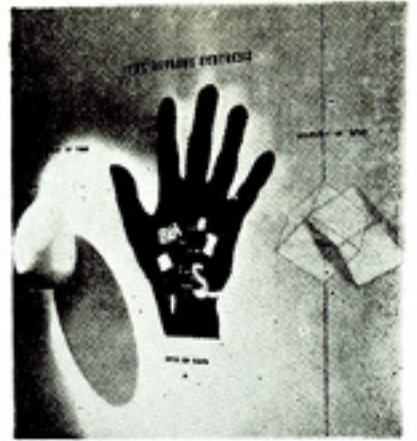
یکی از پدیدههای منفی و مبتلایه بیشتر شهرهای بزرگ توجه کنیم مساله محلههای فقیرنشین و متراکم و مغایر با اصول بهداشت و اخلاق عمومی ، پدیهی است که حل این مشکل بدون بررسی علل پیدایش این قبیل محلهها و مهتر از آن بدون دست زدن بیک رشته اقدامات اقتصادی و اجتماعی و آموزشی غیر ممکن است .

طرح پیشنهادی از آنرو جامع نامیده شده که در آن سعی گردیده مسائل نه بطور مجزا و جدا از یکدیگر بلکه در حال ارتباط و تاثیر متقابل بریکدیگر یعنی درست بیهان شکل که در واقع وجود دارد طرح و بررسی و چارهجویی شود .

تعمیر این نکته نیز ضروری است که در کار طراحی شهر بندرعباس یک عامل جنبه تعیین کننده و قاطع داشته است بنحوی که خواهی نخواهی این جنبه بر همه جوانب دیگر سایه افکنده و آنها را تحتالشعاع خود قرار داده است و این خمیسه همان اهمیتی است که شهر از نظر بندری و از لحاظ صنعت ماهیگیری و صنایع مربوط به بندر در آینده پیدا خواهد کرد . این خصوصیت شهر از همان آغاز مورد توجه بوده و در کلیه مراحل از نظر دور شده است .

شهری که شاید امروز درعالم تصور ولی مسلما فردا بسمورت زنده بجای بندرعباس کنونی پدیدار خواهد شد ، بندری بزرگ و مجهز و یحتمل بزرگترین بندر صادرات و واردات خلیج فارس و پایگاهی





مسائل مرکز شهری

«والتر گروپیوس»

(والتر گروپیوس) به سال ۱۹۱۹ در (وایمار) آلمان آکادمی (باوهاوس) را بنیاد نهاد اینجا مکتبی بود برای نوگرایان معماری طراحی و نقاشی و والتر گروپیوس مردی بود که شیوه نو را در معماری جهان باعث شد.

آکادمی باوهاوس که بعدها بنام مکتب باوهاوس معروف شد و ادامه دهندگان را گروه باوهاوس نام نهادند طرحهای استوار و آزاد در معماری بدست داد که خالق دنیای نازمادی از فرم بوده و منطق کننده حجم با نیازهای انسانی که از این حجم بهره میرد.

در این مکتب آرشینکت باید در طرح و انتخاب هیئت لوازم ضروری زندگی همچون فانتق - کاشف دیواری و میل وانانیه منزل دخالت کرده و حتی شکل سنگیره درها را مشخص میکرد تا در هماهنگی و تاثیر کلی فرم وجودش مشخص باشد.

والتر گروپیوس در زمان سلطه آلمان نازی این کشور را ترک کرد و به امریکا رفت.

او مدتها ریاست یکسی از مهمترین دانشکدههای معماری امریکا را بعهده داشت.

اومرد.

فلا در گذشته این مراکز عمومی بطور طبیعی با خواستهای مردم رشد کرده یا پامر خاکسسی بوجود میامدند اما هیچوقت مثل زمان ماز خاطرده ها فراموش نند بودند بخصوص در کشور های پیشرفته و توسعه یافته در صنعت و تکنیک اگر يك خانه را با تمام لوازم و تسهیلات مجهز کنیم از استحقاق مکانهای عمومی کاسته و تقریباً تمام این فضاها و خدمات را به ماشین واگذاریم بیامدها که اجباراً از راه روی تریک اثرات خیالیان راه میروند حق مسلم خود را نسبت به «راه» از دست داده اند. ارتباط و همستگی که در شهرهای قدیم وجود داشت توسط نیروی جدید وسایل نقلیه از بین رفته و این بسیار مهم است که ما دوباره مراکز اجتماعی برای مردم بوجود آوریم که فارغ از مزاحمت ترافیک در جایی که روح اجتماع بیان عمومی پیدا خواهد کرد. حرکت کنند.

مؤثرترین و زیباترین نمونه این مراکز که قریباً به مؤثرترین حالت، به اجتماع خدمت کرده میدان سن مارکو در ونیز است. با کاتدرال خود بزرگی خدا را بیان میکند، برج که برای ملاحان راهنما بود و از همه مهمتر میدان آن است که همه مردم نماینگر آن بودند تظاهر در جشنها ورزشها و مراسم مذهبی. حالا میدان معین جلوی بنای سازمان ملل در نیویورک توجه کنیم. مریچیم که بزحمت جزو مراکز اجتماعی است و بیشتر مونومانی است در خدمت و روبروها. مرکز راکتور در نیویورک مرکز اجتماع کوچکی است برای مراجعه مردم اما این ارزش با غرض ترافیک در هم گزیده میشود. در میدانهای جدید شهرها لزوم فضاهای مخصوص افراد پیاده بیشتر از هر وقت دیگر بچشم می خورد. محیطی که در آن مردم با تماس روزانه خود ریشه های دموکراسی را بوجود میآورند.

در میدانهای قدیم مریچیم که با وجود اختلاف زمان زیاد بین فاشنک بناها با سبک های مختلف تمام مجموعه در يك هماهنگی کامل مثل يك مجموعه از گانیک دیده می شود که بهیچوجه نتیجه «چور کرین» ساختمانها نبوده بلکه طرح هر بنای جدید که میبایستی ساختمان های قبلی اضافه شود پستزه قسمتی از مجموعه بزرگتری درک شده و با

آن هماهنگ میند. بیان معماری که بکار میرفته تکرار سبک بنا اقتباس «مونیوی» از دوره قبل نبوده است.

مشکل غیر قابل انکاری که در این مراکز اجتماع پیش می آید در این مراکز اجتماع پیش می آید اینست که آیا ساختمانها باید بین کننده «مونومانتال» باشند؟ این بحث که آیا مونومان احتیاج آید بشر خواهد بود از تغییر شکل یافتن ارزشهای بازمانده از سبک های پیش است که ما با آن روبرو هستیم. مونومانالیزم کاذب تقلیدی الملیکتیزم کم کم مانند چرخش که نیروی گرداننده آن از مدتی پیش از بین رفته و پایان میرسد. معنی قابل قبوله مونومان بیان عظیم است برای خاطر مؤسسه سبولیزه کردن چیزی برای یادآوری يك ارزش معنوی و حائز اهمیت. انسان بزرگ، ایمانی مذهبی یا واقعه ای اجتماعی من علیرغم اندازه آن میل دارم تاکید بر روی مفهوم ذهنی مونومان بر روی درک هنسری و بزرگداشت آن و آن نامحسوساتی که احتمالاً (تصور) را به جنبش در میآورند داشته باشم. بیان مونومانی که از گذشته توسط فردهای سبولیک ساکن داریم بایستی به تفکر خلاصه امروز جدا شود. مونومان در گذشته سبولی برای درک ساکنی از دنیا بود امروز ارزشهای دیگری جایگزین آن شده اند. به عقیده من برای بیان مونومانانتال معادلی در جهت فیزیکی برای نوع زندگی، اجتماعی بالاتری توسعه پیدا خواهد کرد که در آن خاصیت قابلیت انطباق با رشد مداوم و تغییر وجود خواهد داشت. و در کلیات ذهنی بالاتری از رشد تمدن بدرجه ای بالاتر از سیمای «مفید بودن صرف» رسیده و ارزش آنرا خواهد داشت که بوسیله هنرمندان و معماران تفسیر بصری یافته و ناخودآگاه به آرامی توسعه پیدا کنند. هنگامی که فلسفه برتر «وقت ملاست» جای خود را بفرهنگ بالاتری دهد مونومان دوباره فتح شده و مسلماً به سبول های ساکن گذشته برنگشته بلکه يك کیفیت ذاتی از محیط کاملاً ساخت بشری خواهد بود.

پل آبکار

آرشیتمتک

فکر شما در مورد معماری قدیم و جدید ایران چیست ؟

ساختنهای قدیم ایران را میتوان بدو دسته تقسیم کرد . یکی ساختمانهای با سقفهای صاف و ستون های کشیده و دیگر ساختمانهای که با طاق اجراء شده و در پلانهای گرد یا هشت گوش یا چهار گوش حل شدهاند و بطوریکه بیدمایم این دسته ساختمانها را بیشتر اجسرا کردهاند . شاید این مساله بیشتر بدلیل کمی چوب بوده است .

معماران ایرانی در آن زمان مهارت زیادی در ساختن این تیب ساختمانها داشتند و با وجود اینکه مصالح خیلی ساده و عادی از قبیل خشت و آجر در اختیارداشته با مهارتی زیاد این نوع ساختمانها را با طاقهای مختلف در پلانهای نامرتب اجرا میکردند و کتیبه های ساختمانهایشان را با آجر های دندانه دار دکور کرده و با رویهم قرار دادن آنها استلاگنیت های جالب و چشم پندی را تشکیل میدادند و با مهارت طاقها را روی آنها قرار داده بطوریکه طاقها در فضا معلق دیده میشدند و همیسن مهارتشان بود که از کنور های مجاور مانند عربستان و افغانستان و غیره از آنها دعوت میکردند تا برایشان ساختمانهای بسازند .

از ابتدای سلطنت صفویه با وجودیکه سلاطین زیادی آمدند و رفتند این سیستم راه خود را طی کرده و پیشرفت نمود تا رسیدن قاجارها که کم کم رو بزوالرفت و سیر قهقرائی بیمود .

از اواسط این قرن هم عددای از جوانان ما به خارج رفتند وخیای از آنها هم معمار شده و برگشتند و شروع به ساختن ساختمانهای اروپائی کردند که متاسفانه این تیب ساختمانها نه با آب و هوا و نه با اخلاق مملکت ما میسازد . آنهائی که بانگلستان رفتند تیب انگلیسی آنهائی که به امریکا رفتند تیب امریکائی وغیره . برعکس من فکر میکنم که ما معماران بهتر است روانشناس هم باشیم تا این کارهایی که انجام میدهم مانند قوطیهای سیگار نباشد که بزودی از مد افتاده و هیچ چیز برای آینده باقی نگذارد . باین دلایل است که من فکر میکنم معماری مدرن ایرانی وجود ندارد و ما آرشیتمتکهای ایرانی باید دست پدمت هم بدیم



نه اینکه رقابت کنیم .

شاید با فعالیت بتوانیم یک معماری ایرانی که لایق تاریخ خودمان باشد ایجاد کنیم . معماری هدفی است برای ساختن بنا ها و زینت کردن آنها با تناسب وقوانین معین در جهان ملتهای مختلف با روحیه ها و طرز فکر های مختلف زندگی بعضی ها خشن بعضی ها عملی و بعضی ها احساساتی . معماری از این جهات منعکس کننده اخلاق و طرز فکر آن ملت است . وباین جهت است که اگر خواسته باشیم ملتی را در تاریخ بشناسیم به معماری آن مراجعه میکنیم . معماری را میتوان به چهار

قسمت مجزا تفکیک کرد : معماری دینی ، معماری ملی - اوربانیسمز مسکونی . اول از ساختمانهای شخصی صحبت میکنیم چون این بزرگترین مساله قرن است ، زیرا مرد پیشرفت کرده از آنکه خیلی فقیر است تا آنکه خیلی غنی است مبارزه میکند تا خواسته های خود را تهیه نماید ، وقتی که مرد این قرن از صبح تا شب کار میکند و شب با اعصاب خسته میخوهد بنزل برود تا برای فردای خویش تجدید قوا کند بدون اینکه قصد داشته باشد نظرش ساختمان خودش میافتد و بروی زینت اطاق تشمین با اطاق استراحت خویش اگر تمام این چیز ها متناسب با اخلاقت باشد او را افتنا میکند پس چشم نگاه میکند و روح قانع میشود بنابراین چشم آئینه روح است ، مثلتهای زیادی وجود دارد که میتوانیم بگوئیم ولی فقط مثال عادی میزنیم چشم است که مبیند و روح عاشق میشود پس بوسیله معماری بایدچشمها را سیر کرد . تا مرد انسان بماند نمانند کوربوزیه که در ابتدای کارش گفته بود که مرد ماشین است و باید در قوطی زندگی کند برعکس باید بگوئیم که مرد یک حیوان عقلدار و احساساتی است .

یک معمار باید محیط مناسبی با روح این شخص ایجاد کند که نه فقط مرد باشد بلکه یک انسان بماند و اینطور است که معماری یکی از داروهای روح مرد است .

اما در مورد ساختمانهای سیویل و اوربانیسمز دینی همینطور که گفتم چشم آئینه روح است : مثلا شاگرد یا محصلی که به

دانشگاه می‌رود اگر ساختمانهای مدارس و دانشگاهها با تناسب پیش بینی شده باشد آن شاگرد یا محصل بارفت بیشتری برانجا می‌رود. مرضی که بهرمنه‌خانه می‌رود که معالجه شود اگر يك ساختمان با تناسب بیند قسمتی از مرض او تسکین دانه میشود. و بهمین دلیل است که قبلا گفتم آرشیتکت نایسند روانشناس هم باشد تا بتواند اخلاق هنوع و هم میهن خود را بشناسد و از این راه بتواند يك معماری سالم ایجاد کند.

در گذشته مصالحی که در ایران پیدا میشد خیلی اولیه و ابتدایی بود مثل خشت، آجر کج و غیره بعد مسافت بین ممالک و ترانسپورت مشکل. معماران ایرانی را مجبور کرد با طرز فکر خودشان و همین مصالح عادی که داشتند شاعرکارهای عظیمی ایجاد کنند که این سیستم کاملا ایرانی و مجزا از آرشیتکتها و تمام ممالک دیگر بود اما در قرن بیستم اروپا و آمریکا مصالح مدرن اختراع کردند از قبیل آهن، بتن آرمه، فولاد برای تاسیسات پلاستیک، شوفاژ و تهویه مطبوع، در ضمن ترانسپورت سریع رابطه بین ممالک را آسان کرده است. مثلا آن مصالحی که در تمام جهان پیدا میشود در ایران هم یافت می‌گردد گذشته از آن حالا دیگر خودمان هم آن مصالح را میسازیم. مساله دیگر اینست که ایرانیها اصولا مدرنیزه شده‌اند و عریک حمام و ماشین آخرین سیستم و حرارت مرکزی و خلاصه کلام يك زندگی اروپائی میخواهند و با این شرایط ممکن نیست معماری فعلی ایران را از معماری جهان تفکیک کرد و شاید باین ترتیب بتوانیم در تمام جهان ساختمانهای يك شکل پیدا کنیم.

نصیحتی به معماران

یادم می‌آید وقتی که سر و چند سال پیش که برای اولین بار وارد دانشکده شده بودم تابلویی باین مضمون توجهم را جلب کرد «شما که میخواهید معماری را شروع کرده و بعد از چند سال دیپلمه شوید بدانید که زندگی مردم در نوك قلم شماست».

خیلی ها وقتی که دیپلم معماری را بدست می‌آورند اینطور بنظرشان میرسد که مردم احمقند و شروع میکنند به سیستم آمریکائی و آس

اگر ما این گفته سقراط را بساور دانه باشیم که میگوید هر مرد در دنیا هم کسی دکتر است و هم معمار میبینیم که ما با همکاران خود سر و کار داریم بعقیده من بعکس موقعی که ما دیپلمه میشویم باید نست به شغل خودمان مبتکر باشیم زیرا شغلیست که تمام چیزهای خوب را شامل می‌شاند که پورسیون، نقشه، دکوراسیون، پسیکولوژی، و يك کلام ایسن شغلیست که باید اختراع کنیم برای من معماری زیباترین شغل دنیاست که میتوانیم داشته باشیم. زیرا این شغلیست که اگر کسی قلبا مشغول آن باشد تمام گرفتاریهای دنیا را فراموش میکند بحدیکه حتی پادش می‌رود که پیرشود معمار باید حومهله يك فرشته را داشته باشد تا بتواند برای هنوع خود مفید واقع شود در ضمن می‌گویم برای وطن خود چون وطن است که با آثاری که بجای می‌گذاریم آبرویش حفظ میشود.

بس معماران جوان اگر بکار خودتان ایمان دارید باید دفتر معماری را بصورت يك مرکز هنری داشته باشیم نه يك مغازه نقشه فروش، بقول فرانسویها، اگر معمار باشید همیشه يك تکدان روی میز نقشه‌کشی شما خواهد بود.



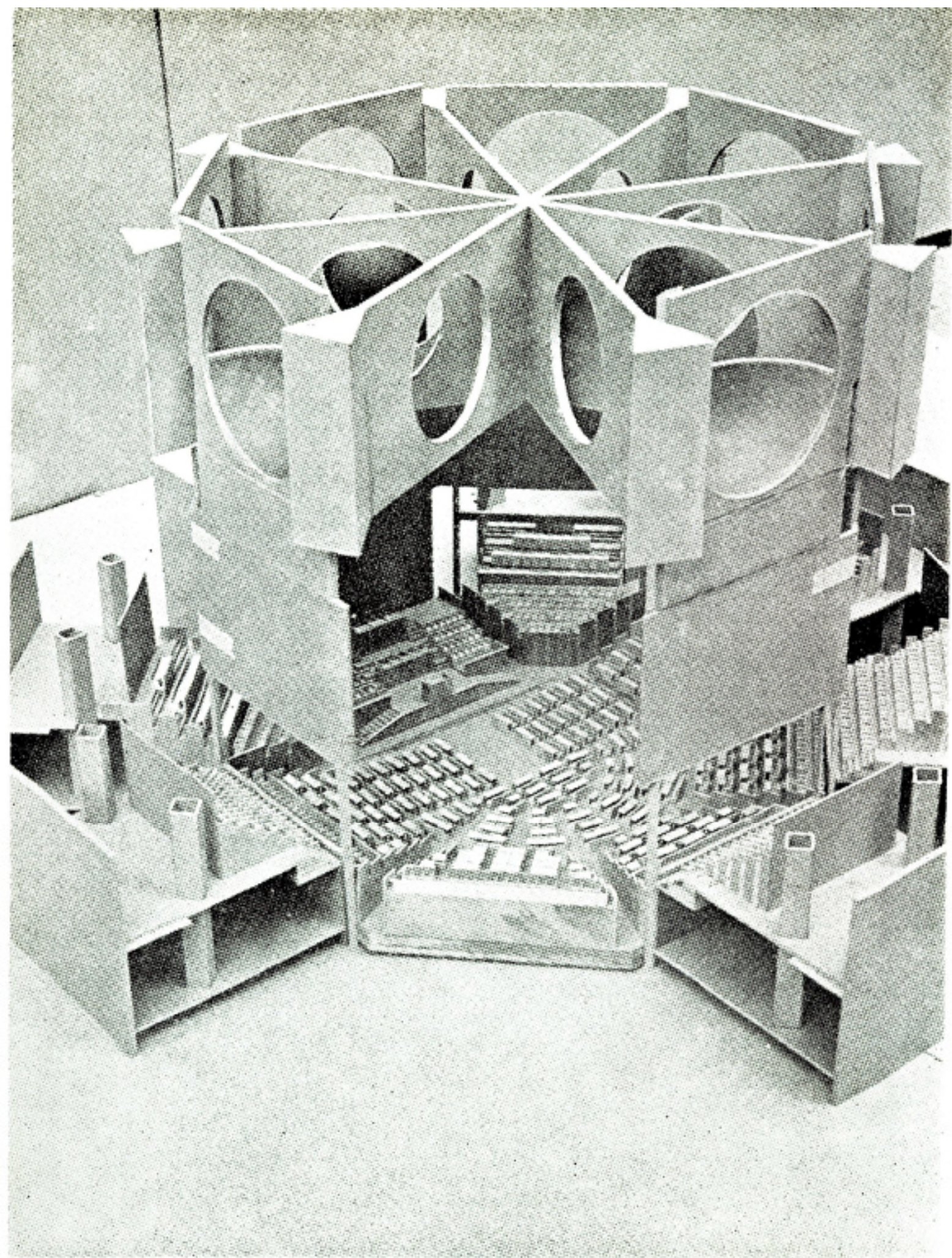
LOUIS I. KAHN



معماری بنام لوئی کان

ترجمه : پروانه مژده

آیا این مرد از پشت عینک تیردش دنیا را چگونه میبیند ؟
آیا ایمان او به انسان است و یا ایمان انسان به زندگی است که او باتمام وجود حس میکند و الهام بخش شاگردانش میگردد ؟
لوئی کان این پیشوای دنیای هنر مدرن قبل از هر چیز میخواهد که پیروانش موجودیت خود را شناخته و مفهوم بودن را آنچنان که هست نه برای رضایت خالق بلکه برای کمال خرد مخلوق درک و حس کنند .



لوئی کان

معماری لوئی کان یا ایمان به استاندارد هائی که انسان بعنوان آزمون استقلال افکار خویش ایجاد کرده بوجود آمده است.

از کار های جدید او کتابخانه

Exeter موزه تکران ،
کارخانه **Olivetti** بنای یادبود

Battery و کار جدیدش در ونیز

را میتوان نام برد که نمونه هائی از این آزادی فکر بوده و باک نظم مخصوص معماری را عرضه نمیدارد.

در حقیقت کار لوئی کان را میتوان بیک قطعه شعر **Ezra Pound**

شاعر معاصر انگلیسی تشبیه نمود که در آن هیچگاه تم

اصلی فراموش نمیگردد .

این ساختمانها از کار های قبلی او سادهتر است . سادگی که

رابطی بین ذهن و احساس فکر و عمل بوجود می آورد . کار های

اخیر او دارای مشخصات زیر است :

۱- ایمان به مکتبهای انسانی

۲- واکنش او نسبت به کار، تفریح و تفکر

۳- موجودیت کامل ساختمان

اعتقاد کان به این مکتب ها به او یک قدرت دायوری بخشیده که

ما فوق الزام زمانی بود این مکتب ها مانند ترکیب یک شهر و یا بیان

خود هنر معماری زمان و مکان ترسیم تمام تلاش ها است .

مختصه دوم نماینگر مطالعه کان در فرد و عکس العمل های او

نسبت به طبیعت و محیط زندگی میباشد . میتوان گفت کمتر معماری

باندازه کان به ریزه کاریهای زندگی انسانها توجه دارد .

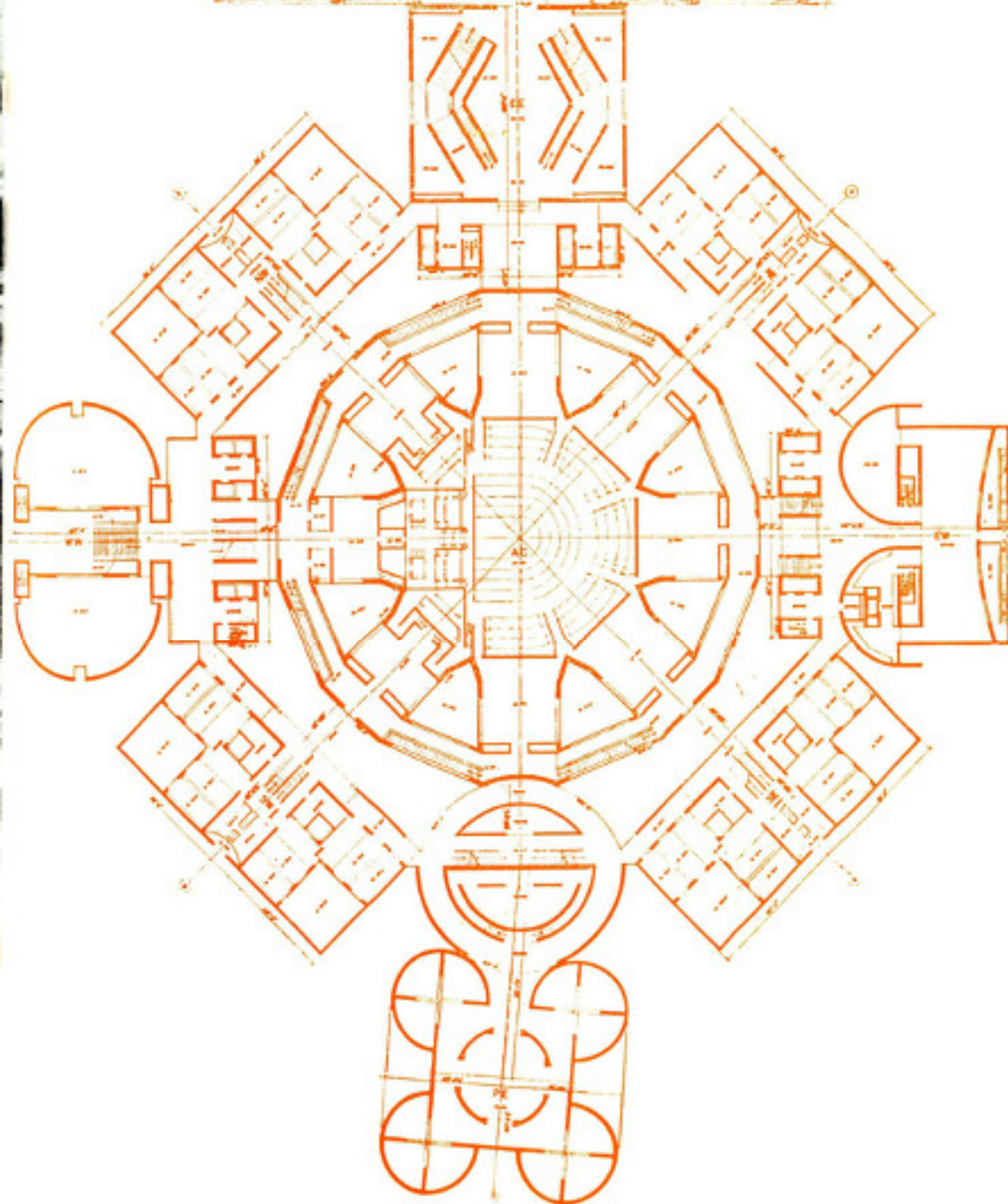
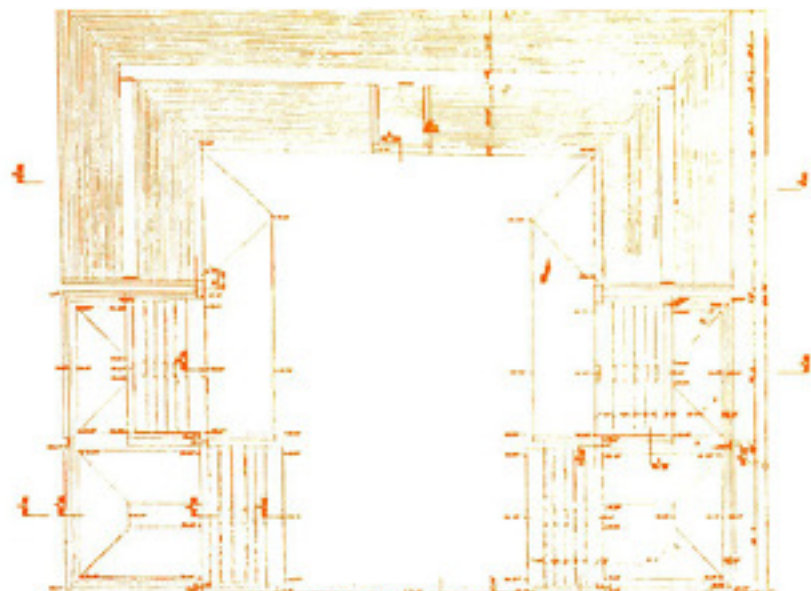
مختصه سوم بکار بردن ایسین اعتقادات در هنر معماری است .

کان در روشن ساختن سبک معماری هم عصر (از حدود ۱۰ سال قبل) افکار بسیاری از معماران

را متوجه خود ساخت حتی منتقدین هم با رویه دیرپذیری مخصوص خود در قبال سادگی روش کان تسلیم شدند .

این سادگی نتیجه درک و فهم اهمیت نور بصورت اساس دسیپلین معماری است .

کان کار خود را در قالب یک اسکلت سبک و مشخصی چنان عرضه کند که تمام المانهای ساختمان در حقیقت جزئی از آن بنظر میآیند





معماری یزد